

ماهنامه فرهنگی اجتماعی
سال شانزدهم / بهمن ۱۴۰۴ ۱۶۱

فرهنگ پاسداری

دهه فجر و تولد انقلاب

مردم سالاری دینی؛ پیوند ایمان و اراده ملی
امنیت پایدار؛ ایران در قلب منطقه‌ای پر آشوب
انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های جهانی

زمینه سازی ظهور حضرت حجت (عجل الله فرجه الشریف)

انقلاب جهانی امام‌زمان (عج)

وعده الهی ظهور؛ تحقق یقین از متن وحی

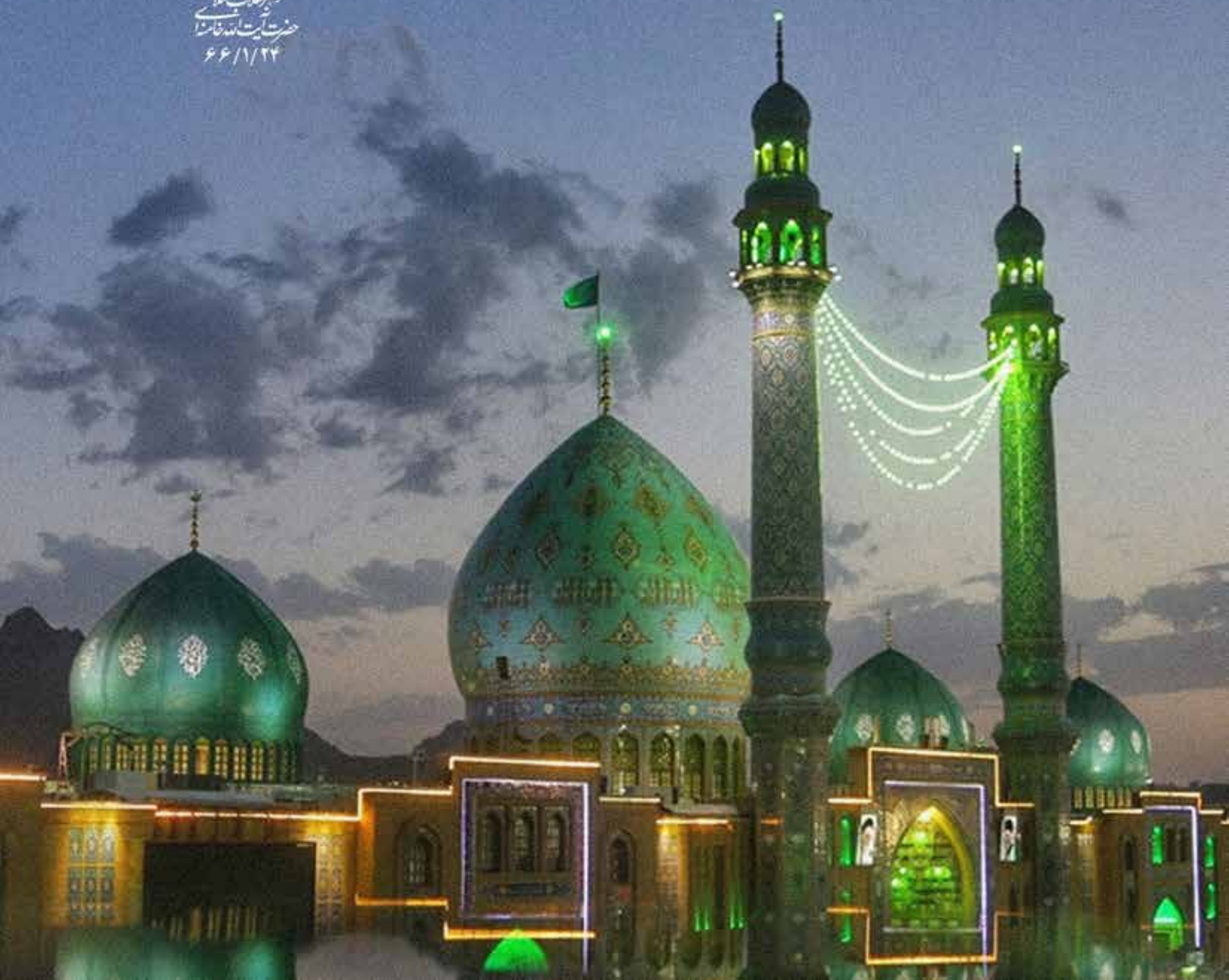
عصر غیبت؛ مسئولیت بزرگ امت در انتظار ظهور

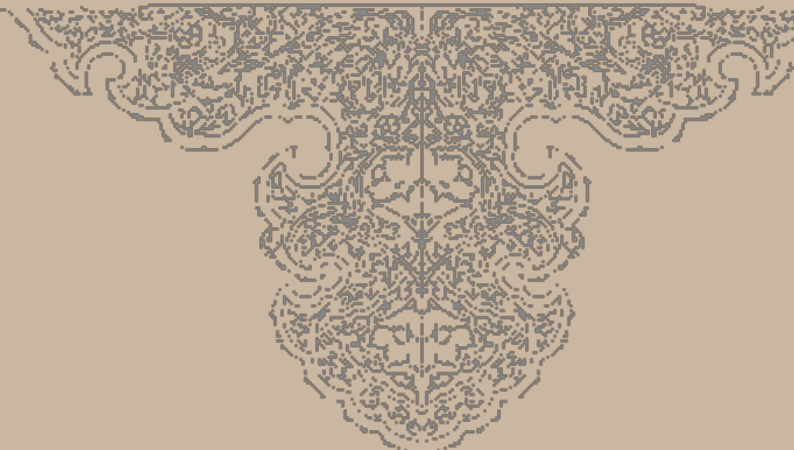


دوران امام خمینی که در

این است که انسانها آراسته به فضائل اخلاقی میشوند و ضعیفها
اخلاقی که این همه شکلات را برای بشر به وجود آورده و در طول تاریخ از انسانها

رهبر انقلاب اسلامی
حضرت آیت الله العظمی
۶۶/۱/۲۴





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگ پاسداری

بهمن ماه ۱۴۰۴

فهرست مطالب

سخن آغازین

- ۳ مردم سالاری دینی؛ پیوند ایمان و اراده ملی
- ۴ استقلال سیاسی؛ طلوع عزت ملی پس از قرن ها سلطه
- ۵ جهش علمی؛ از واردکننده دانش تا تولیدکننده فناوری
- ۶ پزشکی نوین؛ ایران در مسیر درمان پیشرفته
- ۷ صنعت ملی؛ از مونتاژ تا تولید بومی
- ۸ امنیت پایدار؛ ایران در قلب منطقه ای پر آشوب
- ۹ آسیب شناسی انقلاب اسلامی؛ چالش ها و راهکارهای اصلاحی
- ۱۰ نهضت های صدساله اخیر
- ۱۱ انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب های جهانی
- ۱۲ جایگاه ایران در جهان پس از انقلاب اسلامی
- ۱۳ رسانه و روایت انقلاب اسلامی؛ از نوار کاست تا فضای مجازی
- ۱۴ دهه فجر؛ جشن پیروزی، بازخوانی آرمان ها
- ۱۵ انقلاب جهانی امام زمان (عج)
- ۱۶ زمینه های جهانی ظهور؛ طلوع حقیقت از دل بحران تمدن ها
- ۱۷ انقلاب اسلامی؛ گام بلند انسانیت به سوی ظهور جهانی مهدوی
- ۱۸ عصر غیبت؛ مسئولیت بزرگ امت در انتظار ظهور
- ۱۹ وعده الهی ظهور؛ تحقق یقین از متن وحی
- ۲۰ انتظار فعال؛ سرمایه گذاری الهی برای طلوع حقیقت
- ۲۱ حکومت جهانی مهدوی؛ معماری عدل در گستره بشریت
- ۲۲ عقلانیت مهدوی؛ بازگشت خرد به مدار هدایت جهانی
- ۲۳ وعده ظهور در ادیان ابراهیمی؛
- ۲۴ انسان کامل؛ محور تحقق وعده ظهور و بازسازی عالم معنا
- ۲۵ مناسبت های ماه
- ۲۶ خداشناسی؛ از شناخت تا حضور
- ۲۸ نقش انفاق در تربیت روحی انسان
- ۲۹ تدبیر؛ نگاه ژرف به آیات الهی
- ۳۰ ریشه های تاریخی و فرهنگی اصالت در خانواده ایرانی
- ۳۱ نظام واجبات و نقش آن در سامان جامعه اسلامی
- ۳۲ ساده زیستی در نگاه دینی و فلسفی
- ۳۳ مفهوم مردم باوری در اندیشه امام و رهبری
- ۳۴ حفاظت اطلاعات و نقش آن در جامعه امروز
- ۳۵ چشم بینای جبهه ها؛ زندگی و نقش شهید حسن باقری
- ۳۶ خاک های نرم کوشک
- ۳۷ دل نگاهی از نسل اول پاسداران؛ گفت و گو با آقای فروغی جهرمی
- ۳۸ تقوا در نهج البلاغه؛ اشعار فرهنگیان
- ۴۰



شناسنامه

پهمن ماه ۱۴۰۴

مدیر مسئول:

سرپرست دوم پاسدار دکتر حسین محبی

سرپرست:

فرید تولیدی

دبیر تحریریه:

ایرج فرامرزی

نویسندگان و همکاران این شماره:

بهره گیری از آثار:

مطهری، علامه محمدتقی مصباح یزدی، استاد محمدرضا حکیمی، آیت الله

عبدالله جوادی آملی، آیت الله ابراهیم امینی، آیت الله سید محمد مهدی

میرباقری

همکاران این شماره: محمد دشتی، استاد غلامرضا گل زواره، اسماعیل

منصور لاریجانی، محمد کاوه، فاطمه محمدحسینی، منوچهر محمدی،

حجت الاسلام دکتر محسن زاده، دکتر سید محمدحسین راجی، رضا غلامی،

نصر اسلامی، محمد مجتهد شستری، دکتر حمید گویانی، سید ابراهیم
سرپرست سادات، جعفر غفاریان دکتر حسین محبی، دکتر علیرضا رجبی، دکتر
حمید حاذق نیکرو، فرید تولیدی، حسن شریعتی، ایرج فرامرزی

چاپ و لیتوگرافی: مرکز چاپ سپاه

نشانی: تهران ستاد فرماندهی کل سپاه، ساختمان شماره ۲،

معاونت فرهنگی و تبلیغات

تلفن و دروننگار سردبیر:

۳۳۲۲۲۲۰-۳۵۵۳۳۸۴۷

مرکز توزیع: ۳۵۳۳۳۸۷۸

صندوق پستی:

۱۷۳۸۵-۱۶۵

سامانه پیامکی: ۶۶۰۰۰۹۹۶۲

با تشکر از همکاری دفتر تأیید محتوای محصولات فرهنگی سپاه



سخن آغازین

از انقلاب اسلامی تا انقلاب جهانی موعود

در تاریخ پر فراز و نشیب بشر، انقلاب‌ها همواره نقطه عطفی در تحول جوامع بوده‌اند. اما در میان همه این خیزش‌ها، دو انقلاب جایگاهی فراتر از تحولات سیاسی و اجتماعی دارند: انقلاب اسلامی ایران و انقلاب جهانی امام‌زمان (عج). این دو نه تنها در بستر تاریخ، بلکه در عمق باورهای دینی و آرمان‌های انسانی، پیوندی ناگسستی دارند.

* انقلاب اسلامی ایران؛ بذر بیداری و عدالت

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، با رهبری امام خمینی (ره) و مشارکت گسترده مردم، نه تنها رژیم استبدادی پهلوی را سرنگون کرد، بلکه الگویی نوین از حکومت دینی مبتنی بر ولایت فقیه را به جهان معرفی نمود. این انقلاب، برخلاف بسیاری از جنبش‌های سیاسی، ریشه در ایمان، عدالت‌خواهی و آرمان‌گرایی داشت. دستاوردهای آن در حوزه‌های مختلف، از استقلال سیاسی و فرهنگی گرفته تا پیشرفت‌های علمی، نظامی و اجتماعی، گواهی بر ظرفیت عظیم این حرکت الهی است.

از مهم‌ترین ثمرات انقلاب اسلامی، **احیای هویت اسلامی و شیعی** در سطح جهانی بود. ایران پس از انقلاب، به پایگاهی برای مستضعفان و محرومان جهان تبدیل شد و صدای مظلومیت فلسطین، یمن، لبنان و دیگر ملت‌های تحت ستم را به گوش جهانیان رساند. این بیداری اسلامی، زمینه‌ساز تحولات عمیق در منطقه و جهان شد و بسیاری از ملت‌ها را به بازنگری در مسیر خود واداشت.

* انقلاب جهانی امام‌زمان (عج)؛ تحقق وعده الهی

در آموزه‌های شیعه، ظهور حضرت مهدی (عج) و انقلاب جهانی ایشان، نقطه اوج تاریخ بشریت است. انقلابی که نه تنها عدالت را در سراسر زمین برقرار می‌سازد، بلکه انسان را به جایگاه واقعی خود در نظام خلقت بازمی‌گرداند. این انقلاب، برخلاف انقلاب‌های بشری، با امدادهای الهی و همراهی یاران صالح، جهانی فراگیر و بی‌نظیر خواهد بود.

اما تحقق این وعده الهی، نیازمند **زمینه‌سازی تاریخی، فرهنگی و اجتماعی** است و اینجاست که نقش انقلاب اسلامی ایران برجسته می‌شود. بسیاری از علائم ظهور، از جمله بیداری ملت‌ها، گسترش ارتباطات جهانی، رشد آگاهی‌های سیاسی و دینی، و شکل‌گیری جبهه مقاومت، در پرتو انقلاب اسلامی به وقوع پیوسته‌اند. ایران امروز، نه تنها در عرصه سیاست و فرهنگ، بلکه در میدان نبرد حق و باطل، نقش پیش‌تاز دارد.

* پیوند دو انقلاب؛ از انتظار تا اقدام

انقلاب اسلامی ایران را می‌توان مقدمه‌ای بر انقلاب جهانی امام‌زمان (عج) دانست. این انقلاب، با ترویج فرهنگ انتظار، زمینه‌ساز تربیت نسلی مؤمن، آگاه و عدالت‌خواه شده است. نسلی که نه تنها در انتظار ظهور، بلکه در مسیر تحقق آن گام برمی‌دارد. از بسیجیان جبهه‌های مقاومت تا دانشمندان عرصه فناوری، همگی در مسیر آمادگی برای ظهور تلاش می‌کنند.

در نهایت، آنچه این دو انقلاب را به هم پیوند می‌دهد، **روح عدالت‌طلبی، ایمان و امید به آینده‌ای روشن** است. آینده‌ای که در آن، ظلم رخت برمی‌بندد و نور حقیقت سراسر زمین را فرا می‌گیرد. انقلاب اسلامی ایران، نه پایان راه، بلکه آغاز مسیری است که به ظهور موعود ختم خواهد شد.

در آموزه‌های شیعه، ظهور حضرت مهدی (عج) و انقلاب جهانی ایشان، نقطه اوج تاریخ بشریت است. انقلابی که نه تنها عدالت را در سراسر زمین برقرار می‌سازد، بلکه انسان را به جایگاه واقعی خود در نظام خلقت بازمی‌گرداند

مردم‌سالاری دینی؛ پیوند ایمان و اراده ملی

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، نه تنها نقطه پایانی بر سلطه استبدادی پهلوی بود، بلکه آغازگر عصری نوین در حکمرانی سیاسی جهان اسلام شد. در این انقلاب، مردم نه صرفاً همراه، بلکه بازیگران اصلی صحنه بودند؛ مردمی که با ایمان، آگاهی و اراده، نظامی را بنیان نهادند که جمهوریت را در کنار اسلامیت معنا کرد.

جمهوریت در سایه اسلامیت

در نظام جمهوری اسلامی، مردم‌سالاری نه تقلیدی از مدل‌های غربی، بلکه برآمده از آموزه‌های دینی و تجربه تاریخی ملت ایران است. اصل ششم قانون اساسی، اداره امور کشور را مبتنی بر آرای عمومی می‌داند، اما این اراده در چارچوب شریعت و هدایت الهی معنا می‌یابد. برخلاف دموکراسی سکولار که دین را از سیاست جدا می‌سازد، مردم‌سالاری دینی، دین را روح سیاست و مردم را صاحبان مسئولیت می‌داند.

امت و امامت؛ ستون‌های مردم‌سالاری دینی

در اندیشه انقلاب اسلامی، رابطه امت و امامت، محور اصلی مردم‌سالاری دینی است. مردم با مشارکت در انتخابات، شوراهای و نهادهای مدنی، نقش خود را در تعیین سرنوشت ایفا می‌کنند. اما این مشارکت، در چارچوب قانون اساسی و شرع مقدس صورت می‌گیرد. ولایت فقیه در قانون اساسی، نه سلطه فردی، بلکه استمرار هدایت الهی در عصر غیبت است؛ رهبری که با حمایت مردم، مسیر عدالت، عزت و پیشرفت را هموار می‌سازد.

مشارکت سیاسی؛ تجلی اراده ملت

از نخستین روزهای انقلاب تا امروز، مشارکت مردم در همه‌پرسی‌ها، انتخابات ریاست جمهوری، مجلس و شوراهای، نشان از پویایی مردم‌سالاری دینی دارد. این مشارکت، نه صرفاً یک حق، بلکه وظیفه‌ای ملی و دینی است. امام خمینی (ره) بارها تأکید کرد که «میزان، رأی ملت است»؛ جمله‌ای که جمهوریت را در دل اسلامیت تثبیت کرد.

مردم‌سالاری دینی؛ الگویی تمدن‌ساز

در جهانی که دموکراسی غربی با بحران مشروعیت، فساد و بی‌عدالتی روبه‌روست، مردم‌سالاری دینی الگویی نوین از حکمرانی ارائه کرده است. الگویی که در آن، انسان نه ابزار قدرت، بلکه محور کرامت و مسئولیت است. جمهوری اسلامی ایران، با تکیه بر این مدل، توانسته است در برابر فشارهای خارجی، تحریم‌ها و جنگ‌های ترکیبی، ایستادگی کند و به



الگویی الهام‌بخش برای ملت‌های مسلمان بدل شود. مردم‌سالاری دینی، نه یک شعار، بلکه حقیقتی جاری در بطن انقلاب اسلامی است. حقیقتی که با خون شهیدان، فریاد مردم و هدایت رهبری شکل گرفت و امروز، پس از چهار دهه، همچنان زنده، پویا و پیشرو است. این نظام، نه تنها حافظ استقلال و عزت ایران، بلکه پرچم‌دار تمدن نوین اسلامی در جهان است.

منبع

- سید ابراهیم سرپرست سادات، مقاله «کمال مردم‌سالاری دینی در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی».
- رضا غلامی، مقاله «زنجیره حیاتی نظام مردم‌سالاری دینی».
- محمد مجتهد شبستری، مقاله «مردم‌سالاری دینی چیست؟».

مردم‌سالاری دینی، نه یک شعار، بلکه حقیقتی جاری در بطن انقلاب اسلامی است. حقیقتی که با خون شهیدان، فریاد مردم و هدایت رهبری شکل گرفت و امروز، پس از چهار دهه، همچنان زنده، پویا و پیشرو است



استقلال سیاسی؛ طلوع عزت ملی پس از قرن‌ها سلطه

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، نقطه پایانی بر قرن‌ها سلطه بیگانگان بر مقدرات کشور بود. از قراردادهای ننگین ترکمنچای و دارسی تا کودتای ۲۸ مرداد، تاریخ ایران پر بود از دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم قدرت‌های خارجی. اما با پیروزی انقلاب، ملت ایران با فریاد «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» مسیر تازه‌ای را آغاز کرد؛ مسیری که در آن، اراده ملی جایگزین دیکته‌های بیگانگان شد.

نه شرقی، نه غربی؛ سیاستی برخاسته از ایمان و تجربه

اصل «نه شرقی، نه غربی» نه یک شعار، بلکه راهبردی بنیادین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بود. این اصل، برخاسته از تجربه تلخ وابستگی به غرب در دوران پهلوی بود. امام خمینی (ره) با درایت و شجاعت، اعلام کرد که ایران نه به شرق کمونیستی وابسته خواهد بود و نه به غرب سرمایه‌داری؛ بلکه بر پایه اسلام، استقلال خود را حفظ خواهد کرد.

قطع دست بیگانگان؛ از سفارت تا میدان نبرد

نخستین گام‌های استقلال سیاسی پس از انقلاب، با لغو قراردادهای ناعادلانه آغاز شد. تسخیر لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام، نماد روشنی از پایان نفوذ بیگانگان در سیاست داخلی ایران بود. در عرصه نظامی نیز، ایران باتکیه بر توان داخلی، ارتشی مستقل و قدرتمند را بازسازی کرد و در دفاع مقدس، بدون اتکا به قدرت‌های جهانی، از تمامیت ارضی خود دفاع کرد.

استقلال در دیپلماسی؛ صدای ایران در جهان

در دوران پس از انقلاب، ایران با حفظ استقلال سیاسی، به یکی از بازیگران تأثیرگذار منطقه‌ای تبدیل شد. سیاست خارجی ایران بر پایه حمایت از ملت‌های مظلوم، مقابله با استکبار جهانی و دفاع از آرمان‌های اسلامی شکل گرفت. حضور فعال در سازمان‌های بین‌المللی، حمایت از مقاومت فلسطین و لبنان، و ایستادگی در برابر تحریم‌ها، همگی نشان از دیپلماسی مستقل و عزتمند ایران دارد.

مقایسه با نهضت‌های صدساله اخیر

در مقایسه با نهضت مشروطه، نهضت ملی شدن نفت و جنبش‌های منطقه‌ای، انقلاب اسلامی تنها حرکتی بود

که توانست استقلال سیاسی را به طور واقعی محقق کند. نهضت مشروطه با دخالت روس و انگلیس به انحراف کشیده شد؛ نهضت ملی شدن نفت با کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد سرکوب شد؛ اما انقلاب اسلامی، باتکیه بر مردم و رهبری الهی، توانست سلطه بیگانگان را به طور کامل قطع کند و الگویی نوین از حکمرانی مستقل ارائه دهد.

نتیجه‌گیری؛ استقلال سیاسی، ستون عزت و پیشرفت استقلال سیاسی، نه فقط یک دستاورد، بلکه ستون اصلی عزت، پیشرفت و امنیت ملی ایران است. این استقلال، با خون شهیدان، ایستادگی مردم و هدایت رهبری حاصل شده و امروز، پس از چهار دهه، همچنان پابرجاست. ایران اسلامی، با حفظ استقلال خود، توانسته در برابر طوفان‌های جهانی بایستد و پرچم عزت را برافراشته نگه دارد.

منبع

- شریف لک‌زایی، مقاله «استقلال و آزادی در انقلاب اسلامی».
- زهرا مصطفوی، مقاله «استقلال سیاسی از نگاه حضرت امام».
- کامران شیرازی، مقاله «تغییر مسیر ایران پس از انقلاب».

استقلال سیاسی، نه فقط یک دستاورد، بلکه ستون اصلی عزت، پیشرفت و امنیت ملی ایران است. این استقلال، با خون شهیدان، ایستادگی مردم و هدایت رهبری حاصل شده و امروز، پس از چهار دهه، همچنان پابرجاست



جهش علمی؛ از واردکننده دانش تا تولیدکننده فناوری

جهانی گزارش شده است.

شرکت‌های دانش‌بنیان؛ پیوند علم و اقتصاد

یکی از دستاوردهای مهم انقلاب علمی، شکل‌گیری شرکت‌های دانش‌بنیان و زیست‌بوم نوآوری است. بیش از ۸۰۰۰ شرکت دانش‌بنیان در کشور فعال هستند که در حوزه‌های مختلف از داروسازی تا فناوری اطلاعات، محصولات بومی تولید می‌کنند. این شرکت‌ها، علم را از مقاله و آزمایشگاه به بازار و صنعت منتقل کرده‌اند و زمینه‌ساز اشتغال، صادرات و خودکفایی شده‌اند.

علم در خدمت اقتدار ملی

پیشرفت علمی ایران، صرفاً در حوزه دانشگاهی محدود نمانده است. در صنایع دفاعی، پزشکی، انرژی، کشاورزی و حمل‌ونقل، فناوری‌های بومی توسعه یافته‌اند. ایران امروز در حوزه‌هایی مانند ساخت سانتریفیوژ، تولید واکسن، طراحی ماهواره، و پیوند اعضا، جزو معدود کشورهای دارای چرخه کامل فناوری است. این اقتدار علمی، در برابر تحریم‌ها و فشارهای جهانی، سپری مقاوم برای کشور بوده است.

جهش علمی ایران پس از انقلاب اسلامی، نه یک اتفاق، بلکه نتیجه یک اراده ملی، یک راهبرد تمدنی، و یک ایمان عمیق به توانایی‌های داخلی است.

منابع

- محمدجواد دهقانی، مقاله «روند رشد علمی ایران در پایگاه‌های بین‌المللی» پایگاه استنادی علوم جهان اسلام
- سورنا ستاری، گفت‌وگو «نقش شرکت‌های دانش‌بنیان در اقتصاد مقاومتی».
- محسن شاکری‌نژاد، مقاله «علم در برابر تحریم: روایت پیشرفت علمی ایران».

ایران امروز در حوزه‌هایی مانند ساخت سانتریفیوژ، تولید واکسن، طراحی ماهواره، و پیوند اعضا، جزو معدود کشورهای دارای چرخه کامل فناوری است. این اقتدار علمی، در برابر تحریم‌ها و فشارهای جهانی، سپری مقاوم برای کشور بوده است.

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، نقطه آغاز تحولی بنیادین در عرصه علم و دانش بود. در کشوری که پیش از انقلاب، وابستگی علمی به غرب و واردات دانش از خارج، چهره‌ای غالب داشت، انقلاب اسلامی با شعار استقلال و خوداتکایی، مسیر تازه‌ای را گشود؛ مسیری که در آن، علم نه ابزار وابستگی، بلکه ستون عزت ملی و پیشرفت تمدنی شد.

وضعیت علمی ایران پیش از انقلاب؛ وابستگی و رکود

پیش از انقلاب، ایران از نظر تولید علم و فناوری در رتبه‌های پایین جهانی قرار داشت. تعداد دانشگاه‌ها محدود، ظرفیت پذیرش اندک، و تولیدات علمی ناچیز بود. بسیاری از اساتید دانشگاه‌ها از خارج کشور می‌آمدند و بخش عمده‌ای از تجهیزات، منابع علمی و حتی نیروی انسانی متخصص، وارداتی بود.

انقلاب اسلامی؛ آغاز نهضت علمی

با پیروزی انقلاب اسلامی، نهضتی علمی آغاز شد که هدف آن، تربیت نیروی انسانی متعهد، توسعه زیرساخت‌های علمی، و تولید دانش بومی بود. دانشگاه‌ها گسترش یافتند، مراکز تحقیقاتی تأسیس شدند، و نسل جدیدی از دانشجویان و پژوهشگران بانگیزه خدمت به کشور وارد میدان شدند.

رشد کمی و کیفی آموزش عالی

در سال‌های پس از انقلاب، تعداد دانشگاه‌ها از حدود ۲۰۰ مرکز به بیش از ۲۹۰۰ واحد آموزشی رسید. جمعیت دانشجویان از ۱۷۰ هزار نفر به بیش از ۴ میلیون نفر افزایش یافت. رشته‌های تحصیلی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری چندین برابر شدند. سهم زنان در آموزش عالی به طرز چشمگیری افزایش یافت.

تولید علم؛ از مقاله تا فناوری

ایران در دهه‌های اخیر، با شتابی بی‌سابقه در تولید علم حرکت کرده است. بر اساس گزارش پایگاه‌های بین‌المللی مانند Web of Science و Scopus، ایران در سال‌های اخیر در رتبه‌های ۱۵ تا ۱۷ جهانی در تولید علم قرار گرفته است. در حوزه‌هایی مانند نانو، زیست‌فناوری، هوافضا، پزشکی و انرژی، ایران جزو کشورهای پیشرو منطقه و جهان است. سرعت رشد علمی ایران، ۱۱ برابر میانگین



پزشکی نوین؛ ایران در مسیر درمان پیشرفته

رسیده است. پژوهشگاه رویان، به عنوان یکی از مراکز پیشرو، موفق به تولید سلول‌های بنیادی پر توان، شبیه‌سازی حیوانات، و درمان بیماری‌های صعب‌العلاج شده است. ایران در زمینه پیوند مغز استخوان، رتبه دوم جهانی را پس از ایتالیا دارد و سالانه صدها پیوند موفق در مراکز درمانی کشور انجام می‌شود.

صنعت دارویی؛ خودکفایی و صادرات

صنعت دارویی ایران پس از انقلاب، از وابستگی کامل به واردات، به مرحله خودکفایی و صادرات رسید. امروز بیش از ۹۵ درصد داروهای مورد نیاز کشور در داخل تولید می‌شود و ایران در تولید داروهای نو ترکیب، رتبه چهارم آسیا را داراست. داروهای ضد سرطان، داروهای درمان ام‌اس، هپاتیت، و بیماری‌های خاص، توسط شرکت‌های دانش بنیان داخلی تولید و به کشورهای منطقه صادر می‌شوند.

توریسم درمانی؛ ایران مقصد بیماران خارجی

با پیشرفت‌های علمی و کاهش هزینه‌های درمان، ایران به یکی از مقاصد مهم توریسم درمانی در منطقه تبدیل شده است. بیمارانی از عراق، افغانستان، کشورهای حوزه خلیج فارس و آسیای مرکزی، برای دریافت خدمات پزشکی پیشرفته به ایران سفر می‌کنند. جراحی‌های قلب، پیوند کلیه، درمان ناباروری، و جراحی‌های زیبایی، از جمله خدماتی هستند که با کیفیت بالا و هزینه مناسب در ایران ارائه می‌شوند.

منبع

- دکتر مرتضی ضرابی، سخنرانی «سلول‌های بنیادی و درمان‌های نوین»، بانک خون‌بند ناف رویان
- دکتر حمید گورابی، مقاله «پیشرفت‌های ایران در زیست‌فناوری پزشکی»، پژوهشگاه رویان

با پیشرفت‌های علمی و کاهش هزینه‌های درمان، ایران به یکی از مقاصد مهم توریسم درمانی در منطقه تبدیل شده است. بیمارانی از عراق، افغانستان، کشورهای حوزه خلیج فارس و آسیای مرکزی، برای دریافت خدمات پزشکی پیشرفته به ایران سفر می‌کنند

انقلاب اسلامی ایران، نقطه آغاز تحولی شگرف در عرصه سلامت و درمان بود. در کشوری که پیش از انقلاب، وابستگی شدید به پزشکان خارجی، کمبود مراکز درمانی، و ضعف زیرساخت‌های بهداشتی مشهود بود، انقلاب اسلامی توانست باتکیه بر اراده ملی، ایمان دینی و سیاست عدالت‌محور، مسیر تازه‌ای را در پزشکی نوین بگشاید.

وضعیت پزشکی پیش از انقلاب؛ وابستگی و پراکندگی

در سال‌های پیش از انقلاب، بخش عمده‌ای از خدمات درمانی کشور توسط پزشکان خارجی از هند، پاکستان و بنگلادش ارائه می‌شد. بسیاری از شهرها و روستاها فاقد پزشک، بیمارستان یا حتی خانه بهداشت بودند. تجهیزات پزشکی عمدتاً وارداتی و مونتاژ شده بودند و صنعت دارویی کشور توان تأمین نیازهای داخلی را نداشت.

انقلاب اسلامی؛ آغاز نهضت سلامت ملی

با پیروزی انقلاب اسلامی، نهضتی فراگیر در حوزه سلامت آغاز شد. تأسیس وزارت بهداشت، گسترش دانشکده‌های پزشکی، تربیت پزشکان متعهد و متخصص، و توسعه شبکه بهداشت روستایی، از جمله اقدامات بنیادینی بود که در دهه نخست انقلاب صورت گرفت. خانه‌های بهداشت در دورافتاده‌ترین نقاط کشور تأسیس شدند.

جهش در تربیت پزشک و توسعه مراکز درمانی

تعداد پزشکان کشور از حدود ۱۴ هزار نفر در سال ۱۳۵۷ به بیش از ۱۴۰ هزار نفر در دهه‌های اخیر رسید. دانشگاه‌های علوم پزشکی در سراسر کشور گسترش یافتند و ظرفیت پذیرش دانشجویان پزشکی از ۶۰۰ نفر به بیش از ۶ هزار نفر در سال افزایش یافت. همچنین تعداد بیمارستان‌ها از ۵۵۶ مرکز به بیش از ۹۰۰ مرکز فعال رسید و پوشش درمانی در شهرها و روستاها به بیش از ۹۵ درصد ارتقا یافت.

پیشرفت‌های علمی؛ از سلول‌های بنیادی تا پیوند اعضا

ایران در حوزه‌های نوین پزشکی، از جمله سلول‌های بنیادی، پیوند اعضا، زیست‌فناوری، و نانوداروها، به دستاوردهای چشمگیری



صنعت ملی؛ از مونتاژ تا تولید بومی

وضعیت صنعت پیش از انقلاب؛ وابستگی و واردات

پیش از انقلاب، ایران در حوزه صنعت، وابسته به شرکت‌های خارجی بود. صنایع مونتاژ خودرو، لوازم خانگی، دارو و تجهیزات نفتی، بدون انتقال فناوری و دانش فنی، صرفاً به واردات قطعات و سرهم‌بندی محدود می‌شدند. مدیریت صنایع بزرگ در اختیار مستشاران خارجی بود و ایران از نظر تولید صنعتی، در رتبه‌های پایین جهانی قرار داشت. این وابستگی، نه تنها مانع رشد اقتصادی، بلکه تهدیدی برای استقلال ملی بود.

انقلاب اسلامی؛ آغاز نهضت صنعتی بومی

با پیروزی انقلاب اسلامی، نهضتی فراگیر در حوزه صنعت آغاز شد. سیاست‌های صنعتی کشور بر پایه خودکفایی، توسعه فناوری داخلی، و حمایت از تولید ملی شکل گرفت. صنایع دفاعی، خودروسازی، پتروشیمی، فولاد، سیمان، داروسازی و فناوری‌های نوین، به عنوان محورهای اصلی توسعه صنعتی کشور انتخاب شدند.

جهش در تولید؛ از مونتاژ تا ساخت کامل

در حوزه خودروسازی، مونتاژکاری از ۱۰۰ درصد به کمتر از ۵۰ درصد کاهش یافت و ایران توانست خودروهایی با طراحی و موتور داخلی تولید کند. در صنعت فولاد، تولید از ۳۶۰ هزار تن به بیش از ۱۸ میلیون تن رسید و ایران در رتبه چهاردهم جهانی قرار گرفت. در صنایع پتروشیمی، تولید ۳۳ برابر شد و صادرات غیرنفتی به بیش از ۵۵ میلیارد دلار افزایش یافت. ایران از واردکننده قایق‌های ماهیگیری به سازنده کشتی‌های اقیانوس‌پیما تبدیل شد و در صنایع هوایی، فضایی و هسته‌ای به فناوری‌های کاملاً بومی دست یافت.

صنایع دفاعی؛ نماد اقتدار صنعتی

یکی از برجسته‌ترین جلوه‌های صنعت ملی، توسعه صنایع دفاعی است. ایران توانسته است باتکیه بر توان داخلی، موشک‌های بالستیک، پهپادهای پیشرفته، ناوشکن، زیردریایی، و سامانه‌های پدافند هوایی را طراحی و تولید کند. این دستاوردها، نه تنها امنیت ملی را تضمین کرده‌اند، بلکه ایران را به صادرکننده تجهیزات دفاعی تبدیل کرده‌اند. صنعت دفاعی، الگویی موفق از پیوند علم، فناوری و اراده ملی است.

فناوری‌های نوین؛ ورود به باشگاه‌های جهانی

ایران امروز عضو باشگاه‌های فناوری نانو، فضایی، هسته‌ای و موشکی است. در حوزه نانو، رتبه چهارم جهانی را دارد و محصولات دانش‌بنیان خود را به بیش از ۴۰ کشور صادر می‌کند. در صنعت فضایی، ایران جزو ۱۲ کشور دارای چرخه کامل فناوری فضایی است. این دستاوردها، نشان‌دهنده عبور از مرحله مونتاژ و ورود به مرحله تولید دانش‌بنیان و فناورانه هستند.

مقایسه با نهضت‌های صنعتی دیگر

در مقایسه با کشورهای مانند ترکیه، مصر یا پاکستان، ایران

توانسته است با وجود تحریم‌های گسترده، جنگ تحمیلی و فشارهای سیاسی، صنعتی مستقل و پیشرفته ایجاد کند. برخلاف مدل‌های وابسته به سرمایه‌گذاری خارجی، ایران باتکیه بر نیروی انسانی داخلی، دانشگاه‌ها، و شرکت‌های دانش‌بنیان، مسیر توسعه صنعتی را پیموده است. این تفاوت، نشان‌دهنده عمق و اصالت انقلاب صنعتی ایران است.

نتیجه‌گیری؛ صنعت ملی، ستون استقلال و پیشرفت

صنعت ملی ایران، حاصل ایمان، تلاش و ایستادگی ملتی است که خواست خود را از مونتاژکاری به تولید بومی تغییر دهد. این صنعت، نه فقط ابزار توسعه اقتصادی، بلکه نماد عزت، اقتدار و استقلال ایران اسلامی است.

منبع

- دکتر محمدرضا بهرامی، مقاله «تحول صنعت ایران پس از انقلاب اسلامی».
- مهندس علی اکبر محرابیان، گفت‌وگو «صنعت ملی و اقتدار اقتصادی».
- دکتر سید محمدحسین راجی، کتاب «صعود چهل ساله».

در مقایسه با کشورهایی مانند ترکیه، مصر یا پاکستان، ایران توانسته است با وجود تحریم‌های گسترده، جنگ تحمیلی و فشارهای سیاسی، صنعتی مستقل و پیشرفته ایجاد کند



امنیت پایدار؛ ایران در قلب منطقه‌ای پر آشوب

در دوران پهلوی، امنیت مفهومی تحریف شده بود. ساواک، نماد امنیت خشن و شکنجه محور، به جای تأمین آرامش مردم، ابزار سرکوب و ارعاب بود. مردم حتی در خانه‌های خود احساس امنیت نمی‌کردند. وابستگی کامل به مستشاران نظامی آمریکا، نفوذ سفارتخانه‌ها در ساختار امنیتی کشور، و بی‌اختیاری ارتش در برابر قدرت‌های خارجی، ایران را به کشوری بی‌دفاع و آسیب‌پذیر تبدیل کرده بود.

انقلاب اسلامی؛ بازتعریف امنیت بر پایه ایمان و مردم

با پیروزی انقلاب اسلامی، مفهوم امنیت دگرگون شد. امنیت دیگر نه بر پایه زور و سرکوب، بلکه بر اساس اعتماد، ایمان، مشارکت مردمی تعریف شد. ساختار امنیتی کشور، باتکیه‌بر آموزه‌های اسلامی و تجربه تاریخی ملت ایران، به سمت خوداتکایی و استقلال حرکت کرد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بسیج مردمی، ارتش متحول شده و نیروهای انتظامی، همگی در خدمت امنیت مردم قرار گرفتند، نه در برابر آنان.

مقابله با تروریسم؛ از دهه شصت تا داعش

ایران از همان روزهای نخست انقلاب، با موجی از ترورهای سازمان‌یافته مواجه شد. گروه‌هایی مانند منافقین، کومله، پژاک و... با حمایت مستقیم قدرت‌های خارجی، تلاش کردند کشور را به آشوب بکشانند. اما با هوشیاری نهادهای امنیتی و مشارکت مردم، این توطئه‌ها یکی پس از دیگری خنثی شد.

ساختار امنیتی ایران؛ تلفیق عقلانیت، ایمان و اقتدار

امنیت پایدار ایران حاصل تلفیق چند مؤلفه کلیدی است:

- رهبری مقتدر و هوشمند که با درایت، مسیر مقابله با تهدیدات را هدایت می‌کند
- مردم‌سالاری دینی که مشارکت مردم را در تأمین امنیت نهادینه کرده است
- نهادهای امنیتی متنوع و هماهنگ شامل سپاه، ارتش، بسیج و نیروهای انتظامی
- خوداتکایی دفاعی در تولید تجهیزات، سامانه‌های پدافندی، پهپادها و موشک‌های بومی
- دیپلماسی مقاومت که امنیت را نه در سازش، بلکه در ایستادگی تعریف می‌کند
- این ساختار، ایران را به کشوری تبدیل کرده که در برابر جنگ‌های ترکیبی، تحریم‌های امنیتی، تهدیدات سایبری و عملیات روانی، مقاوم و هوشیار باقی‌مانده است.

امنیت پایدار؛ دستاوردی تمدن‌ساز

امنیت در ایران، صرفاً یک دستاورد سیاسی یا نظامی نیست؛ بلکه ستون تمدن نوین اسلامی است. این امنیت، زمینه‌ساز رشد علمی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شده است. دانشگاه‌ها، صنایع، رسانه‌ها و هنر، همگی در سایه امنیت پایدار شکوفا شده‌اند. ایران امروز، نه فقط کشوری امن، بلکه الگویی برای ملت‌های مظلوم و مقاوم منطقه است.

نتیجه‌گیری؛ امنیت، میراث خون شهیدان و بصیرت ملت

امنیت پایدار ایران، حاصل خون شهیدان، ایستادگی مردم، و هدایت رهبری است. این امنیت، نه با سازش، بلکه با مقاومت، نه با وابستگی، بلکه با خوداتکایی، و نه با ترس، بلکه با ایمان به‌دست آمده است. امروز، ایران اسلامی در قلب منطقه‌ای پر آشوب، پرچم‌دار امنیتی است که بر پایه عدالت، ایمان و مردم‌سالاری بنا شده است.

منبع

- مصطفی ایزدی، مقاله «امنیت پایدار از منظر انقلاب اسلامی»، دانشگاه عالی دفاع ملی
- سید محمدجواد هاشمی‌نژاد، مقاله «تروریسم در ایران پس از انقلاب و مبارزه بی‌پایان با آن».

با پیروزی انقلاب اسلامی، مفهوم امنیت دگرگون شد. امنیت دیگر نه بر پایه زور و سرکوب، بلکه بر اساس اعتماد، ایمان، مشارکت مردمی تعریف شد. ساختار امنیتی کشور، باتکیه‌بر آموزه‌های اسلامی و تجربه تاریخی ملت ایران، به سمت خوداتکایی و استقلال حرکت کرد



آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی؛ چالش‌ها و راهکارهای اصلاحی

منحرف کرده و اعتماد مردم را نسبت به نظام کاهش دهند.

• **تهاجم فرهنگی و تغییر سبک زندگی:** ترویج ارزش‌های غربی، فردگرایی، مصرف‌گرایی و بی‌هویتی فرهنگی، از جمله آسیب‌هایی است که نسل جوان را با بحران هویت مواجه کرده است.

راهکارهای اصلاحی؛ بازگشت به اصول و نوسازی درونی
برای عبور از آسیب‌ها و حفظ پویایی انقلاب اسلامی، راهکارهایی پیشنهاد می‌شود:

• **بازگشت به اصول و آرمان‌های انقلاب:** عدالت، استقلال، معنویت، مردم‌سالاری و مقاومت باید محور سیاست‌گذاری‌ها باشند.

• **مبارزه جدی با فساد و رانت:** شفافیت، نظارت مردمی، اصلاح ساختارهای اقتصادی و قضایی، لازمه تحقق این هدف است.

• **تقویت مشارکت سیاسی و اجتماعی:** اعتمادسازی، پاسخ‌گویی مسئولان، و حمایت از نهادهای مردمی، مشارکت را افزایش می‌دهد.

• **نوسازی فرهنگی و تربیتی:** بازتعریف سبک زندگی اسلامی، تقویت هویت ملی، و ارتقای سواد رسانه‌ای، از اولویت‌های فرهنگی است.

• **اصلاح ساختار مدیریتی و بروکراسی:** جوان‌گرایی، شایسته‌سالاری و چابک‌سازی نظام اداری، کارآمدی را افزایش می‌دهد.

انقلاب اسلامی، همچون رودخانه‌ای زنده، نیازمند جریان، پالایش و بازنگری است.

منابع
• علامه محمدتقی مصباح یزدی، درس‌گفتار «آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی».

• نیره قوی، مقاله «آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی بر اساس نظریه کاریزماتیک ویر».

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، یکی از بزرگ‌ترین تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرن بیستم بود که با مشارکت گسترده مردم و هدایت رهبری الهی، نظامی نوین را بنیان نهاد. اما هیچ انقلابی از آسیب‌ها و چالش‌ها مصون نیست. آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی، نه نفی آن، بلکه تلاشی برای حفظ اصالت، پویایی و کارآمدی آن است.

آسیب‌های درونی؛ از ضعف در عدالت تا افول اخلاق

سیاسی

برخی از مهم‌ترین آسیب‌های داخلی انقلاب اسلامی عبارت‌اند از:

• **ضعف در تحقق عدالت اجتماعی:** باوجود شعارهای عدالت‌محور، شکاف طبقاتی، فقر و تبعیض هنوز در جامعه وجود دارد. عدالت به عنوان ستون اصلی نظام اسلامی، نیازمند بازنگری در سیاست‌های اقتصادی، مالیاتی و توزیع منابع است.

• **افول اخلاق سیاسی و مدیریتی:** در برخی دوره‌ها، روحیه خدمتگزاری جای خود را به اشرافی‌گری، رانت‌خواری و فساد داده است. این آسیب، اعتماد عمومی را تضعیف کرده و مشارکت سیاسی را کاهش داده است.

• **تضعیف مشارکت مردمی:** کاهش نرخ مشارکت در انتخابات، بی‌اعتمادی به نهادهای رسمی و رشد بی‌تفاوتی سیاسی، نشانه‌هایی از فاصله گرفتن مردم از نظام است. این روند، تهدیدی جدی برای مردم‌سالاری دینی محسوب می‌شود.

• **تسلط نگاه‌های جناحی و قبیله‌ای:** در برخی موارد، منافع گروهی بر مصالح ملی غلبه کرده و موجب تفرقه، تخریب و بی‌ثباتی شده است. این آسیب، انسجام ملی را تهدید می‌کند.

آسیب‌های بیرونی؛ تحریم، جنگ ترکیبی و نفوذ فرهنگی
انقلاب اسلامی از آغاز با دشمنی قدرت‌های جهانی مواجه بوده است. برخی از آسیب‌های خارجی عبارت‌اند از:

• **تحریم‌های اقتصادی و فشارهای سیاسی:** این اقدامات، اقتصاد کشور را تحت فشار قرار داده و موجب تورم، بیکاری و کاهش رفاه عمومی شده‌اند.

• **جنگ ترکیبی و عملیات روانی:** دشمنان با استفاده از رسانه‌ها، فضای مجازی و شبکه‌های نفوذ، تلاش کرده‌اند تا افکار عمومی را

هیچ انقلابی از آسیب‌ها و چالش‌ها مصون نیست. آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی، نه نفی آن، بلکه تلاشی برای حفظ اصالت، پویایی و کارآمدی آن است



نهضت‌های صدساله اخیر؛ درس‌ها، عبرت‌ها و مقایسه با انقلاب اسلامی

تاریخ معاصر جهان اسلام، شاهد نهضت‌هایی بوده که باهدف اصلاح، استقلال، عدالت و بازگشت به هویت اسلامی شکل گرفتند. از نهضت مشروطه در ایران تا جنبش‌های اصلاح‌طلبانه در مصر، هند، ترکیه و شمال آفریقا، همگی تلاش‌هایی بودند برای احیای امت اسلامی در برابر استعمار، استبداد و انحطاط فرهنگی. اما بسیاری از این نهضت‌ها، باوجود آرمان‌های بلند، به شکست یا انحراف کشیده شدند.

نهضت مشروطه؛ عدالت‌خواهی در سایه نفوذ بیگانگان

نهضت مشروطه در اوایل قرن بیستم، باهدف محدود کردن قدرت شاه و تأسیس عدالت‌خانه شکل گرفت. علما، روشنفکران و مردم در کنار هم خواهان قانون‌گرایی و مشارکت سیاسی بودند. اما دخالت روس و انگلیس، اختلافات داخلی، و ضعف در رهبری، موجب انحراف نهضت شد. مجلس مشروطه به ابزاری در دست قدرت‌های خارجی تبدیل شد و آرمان عدالت، قربانی سیاست شد.

نهضت ملی‌شدن نفت؛ استقلال اقتصادی بدون پشتوانه مردمی

نهضت ملی‌شدن نفت به رهبری دکتر محمد مصدق، تلاشی برای قطع وابستگی اقتصادی به انگلیس بود. باوجود حمایت مردمی، این نهضت فاقد عمق دینی، انسجام اجتماعی و رهبری الهی بود. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با حمایت آمریکا و انگلیس، این نهضت را سرکوب کرد و بار دیگر، وابستگی سیاسی و اقتصادی بر کشور حاکم شد.

آفات مشترک نهضت‌ها؛ از فرصت‌طلبی تا انحراف ایدئولوژیک

شهید مطهری در کتاب «بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر»، آفات مشترک این نهضت‌ها را چنین برمی‌شمارد: نفوذ اندیشه‌های بیگانه و تحریف آرمان‌ها، تجددگرایی افراطی و فاصله گرفتن از هویت اسلامی، ناتمام گذاشتن نهضت و فقدان استمرار، رخنه فرصت‌طلبان و تبدیل نهضت به ابزار قدرت، ابهام در طرح‌های آینده و فقدان چشم‌انداز روشن، کاهش خلوص نیت و انحراف در مسیر حرکت. این آفات، موجب شدند که بسیاری از نهضت‌ها، یا عقیم بمانند یا به ضد خود تبدیل شوند.

انقلاب اسلامی؛ تفاوت‌ها و برتری‌ها

انقلاب اسلامی ایران، در مقایسه با نهضت‌های پیشین، ویژگی‌هایی دارد که آن را متمایز و موفق ساخته است:

- رهبری الهی و کاریزماتیک: امام خمینی (ره) باایمان، شجاعت و درایت، توانست ملت را حول محور اسلام متحد کند
- مردم‌محوری و مشارکت گسترده: انقلاب اسلامی، نهضتی مردمی بود که همه اقشار جامعه در آن نقش داشتند
- عمق دینی و ایدئولوژیک: برخلاف نهضت‌های سکولار یا صرفاً سیاسی، انقلاب اسلامی بر پایه اسلام ناب شکل گرفت
- استمرار و نهادسازی: انقلاب اسلامی توانست ساختار سیاسی

جدیدی ایجاد کند و آرمان‌های خود را در قالب قانون اساسی، نهادهای مردمی و نظام جمهوری اسلامی تثبیت کند

- مقاومت در برابر دشمنان: انقلاب اسلامی، باوجود جنگ، تحریم و فشارهای جهانی، توانست مسیر خود را حفظ کند و به الگویی برای ملت‌های مظلوم تبدیل شود

نتیجه‌گیری؛ عبرت از گذشته، امید به آینده

بررسی نهضت‌های صدساله اخیر، نشان می‌دهد که موفقیت یک انقلاب، تنها با آرمان‌های بلند ممکن نیست؛ بلکه نیازمند رهبری الهی، مشارکت مردمی، عمق فکری، و استمرار در مسیر است. انقلاب اسلامی ایران، با عبرت‌گیری از گذشته، توانسته است الگویی نوین از تحول اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ارائه دهد.

منبع

- مرتضی مطهری، کتاب «بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صدساله

اخیر».

- محمدرضا حکیمی، مقاله «نهضت‌های اسلامی و بیداری امت».

بررسی نهضت‌های صدساله اخیر، نشان می‌دهد که موفقیت یک انقلاب، تنها با آرمان‌های بلند ممکن نیست؛ بلکه نیازمند رهبری الهی، مشارکت مردمی، عمق فکری، و استمرار در مسیر است. انقلاب اسلامی ایران، با عبرت‌گیری از گذشته، توانسته است الگویی نوین از تحول اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ارائه دهد



انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های جهانی؛ فرانسه، روسیه و چین

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، در مقیاس جهانی نیز به عنوان الگویی نوین از تحول سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شناخته شد. در مقایسه با انقلاب‌های بزرگ جهان مانند انقلاب فرانسه (۱۷۸۹)، انقلاب روسیه (۱۹۱۷) و انقلاب چین (۱۹۴۹)، انقلاب اسلامی ایران ویژگی‌هایی دارد که آن را از سایر انقلاب‌ها متمایز می‌سازد.

تفاوت در ماهیت و ایدئولوژی

انقلاب فرانسه بر پایه لیبرالیسم و سکولاریسم شکل گرفت؛ هدف آن حذف سلطنت مطلقه و کلیسا و جایگزینی آن با جمهوری سکولار بود. انقلاب روسیه با ایدئولوژی مارکسیسم، به دنبال حاکمیت طبقه کارگر و حذف مالکیت خصوصی بود. انقلاب چین نیز با رهبری حزب کمونیست و مائو، بر پایه مبارزه طبقاتی و نفی سرمایه‌داری شکل گرفت.

اما انقلاب اسلامی ایران، برخلاف این سه، بر پایه **ایمان دینی**، **عدالت‌خواهی** و **معنویت اسلامی** بنا شد. ایدئولوژی آن نه مادی‌گرایانه، بلکه الهی بود؛ نه در پی حذف دین، بلکه در پی احیای آن در عرصه سیاست و اجتماع. امام خمینی (ره) با تأکید بر «جمهوری اسلامی، نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر»، مسیر انقلاب را از انحرافات ایدئولوژیک مصون ساخت.

تفاوت در رهبری و ساختار هدایت

در انقلاب فرانسه، رهبری پراکنده و متزلزل بود؛ روبسپیر، دانتون و دیگران، هر یک بخشی از مسیر را طی کردند و بسیاری از آنان قربانی تیغ گیوتین شدند. در انقلاب روسیه، لنین و سپس استالین، با تمرکز قدرت، به دیکتاتوری مطلق رسیدند. در چین نیز مائو با رهبری کاریزماتیک، انقلاب را به پیروزی رساند، اما در دوره‌هایی چون «انقلاب فرهنگی»، کشور را با بحران‌های شدید مواجه کرد.

در مقابل، انقلاب اسلامی ایران از رهبری الهی، مردمی و مستمر برخوردار بود. امام خمینی (ره) نه تنها ایدئولوگ انقلاب، بلکه فرمانده و معمار نظام پس از پیروزی بود. پس از ایشان، مقام معظم رهبری با حفظ اصول و آرمان‌ها، استمرار انقلاب را تضمین کرد.

تفاوت در نقش مردم و مشارکت اجتماعی

در انقلاب فرانسه و روسیه، مشارکت مردم محدود به طبقات خاصی بود؛ اشراف، بورژواها یا کارگران. در چین نیز حزب کمونیست با بسیج دهقانان، انقلاب را پیش برد. اما در انقلاب اسلامی ایران، همه اقشار مردم از روستا تا شهر، از بازار تا دانشگاه، از زنان تا جوانان، در صحنه حضور داشتند. این مشارکت، نه تنها در پیروزی انقلاب، بلکه در همه‌پرسی نظام جمهوری اسلامی، تدوین قانون اساسی، انتخابات و دفاع مقدس ادامه یافت.

تفاوت در پیامدها و استمرار انقلاب

انقلاب فرانسه پس از چند سال به دیکتاتوری ناپلئون ختم شد؛ انقلاب روسیه به استبداد استالینی و اردوگاه‌های کار اجباری رسید؛ انقلاب چین نیز با بحران‌های داخلی، قحطی

و سرکوب‌های گسترده مواجه شد. اما انقلاب اسلامی ایران، با وجود جنگ تحمیلی، تحریم‌های شدید و توطئه‌های خارجی، توانست نظامی پایدار، مردمی و مستقل ایجاد کند و در مسیر پیشرفت علمی، فرهنگی و سیاسی گام بردارد.

تأثیر گذاری منطقه‌ای و جهانی

انقلاب فرانسه و روسیه، تأثیراتی محدود و عمدتاً ایدئولوژیک داشتند. انقلاب چین نیز بیشتر در حوزه آسیا اثرگذار بود. اما انقلاب اسلامی ایران، با صدور پیام بیداری اسلامی، مقاومت در برابر استکبار، و حمایت از ملت‌های مظلوم، به گفتمانی جهانی تبدیل شد. حزب‌الله لبنان، مقاومت فلسطین، و نهضت‌های اسلامی در منطقه، از این انقلاب الهام گرفتند.

منابع

- منوچهر محمدی، کتاب «انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه».
- سید صادق حقیقت، مقاله «اندیشه سیاسی در اسلام و مقایسه انقلاب‌ها».

انقلاب اسلامی ایران، با صدور پیام بیداری اسلامی، مقاومت در برابر استکبار، و حمایت از ملت‌های مظلوم، به گفتمانی جهانی تبدیل شد. حزب‌الله لبنان، مقاومت فلسطین، و نهضت‌های اسلامی در منطقه، از این انقلاب الهام گرفتند.



جایگاه ایران در جهان پس از انقلاب اسلامی

جهانی جایگاه ایران به عنوان یک قدرت مستقل است.

پیشرفت علمی و فناوری

ایران پس از انقلاب، با وجود تحریم‌های گسترده، در حوزه‌های علمی، فناوری، پزشکی و دفاعی پیشرفت‌های چشمگیری داشته است. از جمله می‌توان به دستیابی به چرخه کامل فناوری فضایی، تولید داروهای راهبردی، و توسعه فناوری نانو اشاره کرد. این پیشرفت‌ها، ایران را در بسیاری از حوزه‌ها به رتبه‌های برتر منطقه و جهان رسانده‌اند.

نقش تمدنی و فرهنگی در جهان اسلام

ایران باتکیه بر هویت اسلامی و تمدن کهن خود، توانسته است در جهان اسلام نقش بیدارکننده‌ای ایفا کند. حمایت از ملت‌های مظلوم، از جمله فلسطین، لبنان، یمن و سوریه، و تشکیل محور مقاومت، نشان‌دهنده مسئولیت تاریخی ایران در برابر استکبار جهانی است. این نقش، نه تنها سیاسی، بلکه فرهنگی و تمدنی است و ایران را به ستون اصلی بیداری اسلامی تبدیل کرده است.

نتیجه‌گیری

جایگاه ایران در جهان پس از انقلاب اسلامی، حاصل مقاومت، استقلال‌طلبی، پیشرفت علمی و دیپلماسی فعال است. ایران امروز، دیگر یک کشور وابسته نیست، بلکه بازیگری مستقل، مقتدر و الهام‌بخش برای ملت‌های آزاده جهان است. این مسیر، با وجود چالش‌ها، همچنان ادامه دارد و آینده‌ای روشن‌تر را نوید می‌دهد.

ایران امروز، دیگر یک کشور وابسته نیست، بلکه بازیگری مستقل، مقتدر و الهام‌بخش برای ملت‌های آزاده جهان است. این مسیر، با وجود چالش‌ها، همچنان ادامه دارد و آینده‌ای روشن‌تر را نوید می‌دهد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، ایران نه تنها مسیر سیاسی خود را دگرگون کرد، بلکه جایگاهش در معادلات منطقه‌ای و جهانی نیز به طور چشمگیری تغییر یافت. این تحول، از یک کشور وابسته به قدرت‌های غربی، به یک بازیگر مستقل و تأثیرگذار در عرصه بین‌المللی تبدیل شد. در ادامه، به بررسی ابعاد مختلف این جایگاه جدید می‌پردازیم.

استقلال سیاسی و نفی سلطه‌پذیری

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی، قطع وابستگی به قدرت‌های خارجی بود. اصل «نه شرقی، نه غربی» که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تثبیت شد، نشان‌دهنده اراده ملت برای تعیین سرنوشت خود بدون دخالت بیگانگان است. ایران با اخراج مستشاران نظامی و لغو قراردادهای ناعادلانه، استقلال سیاسی خود را بازیافت و به الگویی برای کشورهای منطقه تبدیل شد.

اقتدار نظامی و بازدارندگی منطقه‌ای

در دهه‌های اخیر، ایران توانسته است باتکیه بر توان داخلی، قدرت دفاعی خود را به سطحی برساند که در برابر تهدیدات خارجی، از جمله رژیم صهیونیستی و آمریکا، پاسخ‌های قاطع و بازدارنده ارائه دهد. حمله موشکی به پایگاه عین الاسد، پایگاه العدید و پاسخ محکم به تجاوزات اخیر اسرائیل، نمونه‌هایی از این اقتدار هستند که نشان دادند ایران نه تنها تسلیم نمی‌شود، بلکه توان تغییر معادلات را دارد.

دیپلماسی مقاومت و تعامل چندجانبه

دیپلماسی ایران پس از انقلاب، از حالت منفعل خارج شد و به یک بازوی مکمل برای میدان مقاومت تبدیل گردید. این دیپلماسی، باتکیه بر منطق، مظلومیت تاریخی و مشروعیت مردمی، توانسته است در نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای مانند سازمان همکاری‌های شانگهای و گروه بریکس، نقش فعالی ایفا کند. عضویت دائم ایران در این سازمان‌ها، نشان‌دهنده پذیرش



رسانه و روایت انقلاب اسلامی؛ از نوار کاست تا فضای مجازی

انقلاب اسلامی ایران، انقلابی بود که بیش از هر چیز، با روایت زنده ماند و گسترش یافت. در روزگاری که رسانه‌های رسمی در اختیار رژیم پهلوی بودند، انقلاب اسلامی توانست با بهره‌گیری از ابزارهای ساده اما مؤثر، روایت خود را به گوش ملت برساند.

نوار کاست و اعلامیه؛ رسانه‌های مردمی در دوران اختناق

در دهه ۵۰ مردم با استفاده از ابزارهایی چون نوار کاست، اعلامیه‌های چاپی، و منابع مساجد، روایت انقلاب را زنده نگه داشتند. نوارهای سخنرانی امام خمینی (ره) از نجف و پاریس، به‌صورت مخفیانه در سراسر کشور پخش می‌شد و پیام‌های ایشان، الهام‌بخش مبارزان و مردم بود.

رسانه پس از انقلاب؛ صدای مردم در ساختار رسمی

با پیروزی انقلاب اسلامی، رسانه‌های رسمی نیز دگرگون شدند. صداوسیما، به‌عنوان رسانه ملی، مأموریت یافت تا صدای مردم، آرمان‌های انقلاب، و ارزش‌های اسلامی را بازتاب دهد. در دوران دفاع مقدس، رسانه‌ها نقش بی‌بدیلی در روایت ایشار، مقاومت و حماسه داشتند. برنامه‌هایی چون روایت فتح، گزارش‌های میدانی از جبهه‌ها، و مستندهای جنگ، توانستند روحیه ملی را تقویت کنند.

تحول رسانه‌ای؛ از تک‌صدایی تا تنوع روایت‌ها

در دهه‌های بعد، رسانه‌های مکتوب، خبرگزاری‌ها، نشریات تخصصی، و شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی گسترش یافتند. این تنوع، زمینه‌ساز شکل‌گیری روایت‌های مختلف از انقلاب شد؛ از روایت‌های رسمی تا روایت‌های مردمی، از تحلیل‌های سیاسی تا مستندهای تاریخی. رسانه‌ها توانستند با بازخوانی تاریخ انقلاب، نقد عملکردها، و تبیین آرمان‌ها، نقش مهمی در حفظ و پالایش گفتمان انقلاب ایفا کنند.

فضای مجازی؛ روایت انقلاب در عصر دیجیتال

با ظهور اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، رسانه وارد مرحله‌ای تازه شد. فضای مجازی، بستری برای روایت‌های متنوع، گفت‌وگوهای آزاد، و انتقال سریع پیام‌ها فراهم کرد. جوانان، فعالان فرهنگی، و نخبگان، با تولید محتوا در قالب پادکست، ویدئو، مقاله و پست‌های شبکه‌های اجتماعی، توانستند روایت انقلاب را به زبان نسل جدید بازآفرینی کنند. این فضا، هم فرصت است و هم تهدید؛ فرصتی برای تبیین آرمان‌ها، و تهدیدی در برابر تحریف‌ها و روایت‌های مغرضانه.

جنگ روایت‌ها؛ رسانه در خط مقدم نبرد نرم

امروز، رسانه نه فقط ابزار اطلاع‌رسانی، بلکه میدان نبرد است. دشمنان انقلاب اسلامی، با استفاده از رسانه‌های جهانی، تلاش می‌کنند روایت‌های تحریف‌شده، ناامیدکننده و ضدانقلابی را منتشر کنند. در مقابل، رسانه‌های انقلابی باید با تولید محتوای دقیق، جذاب و مستند، روایت حقیقی انقلاب

را بازتاب دهند. جنگ نرم، جنگ معناهاست؛ و رسانه، سلاح اصلی این نبرد است.

نقش رسانه در تمدن‌سازی اسلامی

رسانه، نه فقط حافظ گذشته، بلکه سازنده آینده است. در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی، رسانه باید نقش آفرینی کند؛ با تبیین گفتمان انقلاب، تقویت هویت ملی و دینی، و ایجاد فضای گفت‌وگوی سازنده. رسانه‌های متعهد، با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، می‌توانند نسل جدید را با آرمان‌های انقلاب آشنا کنند و آنان را به کنشگران فرهنگی تبدیل سازند.

منبع

- محمدرضا صالحی وثیق، مقاله «چگونگی شکل‌گیری روایت انقلاب اسلامی»
- محمدحسن خانی و روح‌الامین سعیدی، مقاله «رسانه و نقش آن در استحکام ساخت درونی انقلاب اسلامی»

دشمنان انقلاب اسلامی، با استفاده از رسانه‌های جهانی، تلاش می‌کنند روایت‌های تحریف‌شده، ناامیدکننده و ضدانقلابی را منتشر کنند. در مقابل، رسانه‌های انقلابی باید با تولید محتوای دقیق، جذاب و مستند، روایت حقیقی انقلاب را بازتاب دهند



دهه فجر؛ جشن پیروزی، بازخوانی آرمان‌ها

دهه فجر، نه فقط یادآور پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، بلکه فرصتی برای بازخوانی آرمان‌ها، مرور مسیر طی شده و تجدید عهد با ارزش‌های انقلاب است. این دهه، از ۱۲ تا ۲۲ بهمن، نماد شکوه حضور مردمی، ایمان، ایثار و تحول تاریخی ملت ایران است؛ روزهایی که تاریخ را از گذشته‌ای تاریک به آینده‌ای روشن پیوند زدند.

۱۲ بهمن؛ آغاز فجر با بازگشت امام

در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، امام خمینی (ره) پس از ۱۵ سال تبعید، با استقبال میلیونی مردم وارد ایران شد. این روز، نقطه آغاز دهه فجر و نماد بازگشت امید به ملت بود. هوایمای حامل امام، در ساعت ۹:۲۷ در فرودگاه مهرآباد فرود آمد و با سرود «خمینی ای امام»، اشک شوق بر گونه‌های مردم جاری شد. سخنرانی امام در بهشت زهرا، با جملاتی چون «من به پشتیبانی ملت دولت تعیین می‌کنم» مسیر آینده را ترسیم کرد.

روزهای فجر؛ از شور مردمی تا سقوط طاغوت

در روزهای بعد، مردم با راهپیمایی، اعتصاب، و مقاومت، پایه‌های رژیم پهلوی را لرزاندند. در ۱۵ بهمن، امام دولت موقت را به ریاست مهندس بازرگان معرفی کرد. در ۱۹ بهمن، همافران نیروی هوایی با امام بیعت کردند؛ تصویری تاریخی که در رسانه‌ها ثبت شد. در ۲۱ بهمن، با اعلام حکومت نظامی توسط بختیار، امام فرمان لغو آن را صادر کرد و مردم با حضور در خیابان‌ها، کودتای رژیم طاغوت را خنثی کردند.

۲۲ بهمن؛ روز پیروزی ملت

در ۲۲ بهمن، ارتش اعلام بی‌طرفی کرد، پادگان‌ها تسلیم شدند، و مردم مراکز قدرت رژیم را تصرف کردند. رادیو، تلویزیون، ساواک، شهربانی و مجلس، یکی پس از دیگری به دست مردم افتاد. این روز، پایان سلطنت ۲۵۰۰ ساله و آغاز جمهوری اسلامی بود. از آن روز، ۲۲ بهمن به عنوان «یوم‌الله» در تقویم ملی ثبت شد و هر سال با راهپیمایی‌های میلیونی گرامی داشته می‌شود.

جشن ملی؛ از مدارس تا خیابان‌ها

دهه فجر، به جشن ملی تبدیل شده است. مدارس با پرچم، عکس امام و نوارهای رنگی آذین‌بندی می‌شوند. زنگ انقلاب در ۱۲ بهمن نواخته می‌شود. جشنواره‌های فرهنگی، هنری و ورزشی، نمایشگاه‌های دستاوردهای انقلاب، و برنامه‌های مردمی در سراسر کشور برگزار می‌شود. شب ۲۲ بهمن، بانگ «الله اکبر» از پشت‌بام‌ها طنین‌انداز می‌شود؛ یادآور شب‌های پیروزی.

بازخوانی آرمان‌ها؛ از استقلال تا عدالت

دهه فجر، فرصتی برای بازخوانی آرمان‌های انقلاب است:

- استقلال سیاسی: قطع وابستگی به شرق و غرب
- آزادی اجتماعی: مشارکت مردم در تعیین سرنوشت
- عدالت اقتصادی: حمایت از محرومان و مستضعفان
- هویت فرهنگی: بازگشت به اسلام ناب و ارزش‌های ایرانی
- این آرمان‌ها، همچنان راهنمای مسیر انقلاب‌اند و دهه فجر، زمان مناسبی برای سنجش تحقق آن‌هاست. دهه فجر، نه فقط یادآور گذشته، بلکه چراغ راه آینده است. فجر انقلاب هر سال در دل تاریخ این سرزمین خواهد درخشید.

منبع

- معصومه احمدی بینش و پروین سادات قوامی، مقاله «دهه فجر انقلاب اسلامی».
- فاطمه زاده محمد، مقاله «چرا دهه فجر مهم است؟».
- امیرحسین جعفری، گزارش «ناگفته‌های پرواز ۷۴۷».

از ۱۲ تا ۲۲ بهمن، نماد شکوه حضور مردمی، ایمان، ایثار و تحول تاریخی ملت ایران است؛ روزهایی که تاریخ را از گذشته‌ای تاریک به آینده‌ای روشن پیوند زدند



انقلاب جهانی امام زمان (عج): تحقق وعده الهی و تجلی عدالت فراگیر

رؤیایی دیرینه در جان بشریت

بشر، در طول تاریخ، در سودای نجات از ظلم، بی عدالتی، تبعیض و فساد به سر برده است. از روزگار آدم تا امروز، آرمان تأسیس جامعه‌ای بر محور حق و عدالت، در جان انسان‌ها پییده است. ادیان الهی، به‌ویژه اسلام ناب، وعده نجات را در قالب ظهور منجی موعود - امام زمان (عج) - عرضه کرده‌اند. قرآن کریم در سوره نور با واژه «استخلاف» از حاکمیتی یاد می‌کند که مؤمنان وارث زمین می‌گردند؛ و این خود نوید انقلاب جهانی‌ای است که در عصر ظهور تحقق می‌یابد.

انقلاب مهدوی؛ فراتر از قیام، آغاز تمدن توحیدی

قیام امام مهدی (عج) آغاز شکل‌گیری تمدنی الهی و توحیدی است. این انقلاب ریشه در تعالیم همه پیامبران دارد که برای اقامه قسط آمدند. در سوره حدید آمده: «لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ پیام واضحی برای آن است که هدف نهایی حرکت انبیا، اقامه عدالت بوده، و حضرت مهدی (عج) این مأموریت را در سطح جهانی تحقق خواهد بخشید.

نشانه‌های عصر ظهور؛ فروپاشی تمدن مادی و بیداری فطرت‌ها

آثار ظهور امام زمان (عج) نه تنها در منابع دینی بلکه در تحولات جهانی نیز قابل‌رصد است. خستگی بشر از تمدن‌های مبتنی بر ماده‌گرایی، استثمار و بی‌عدالتی، زمینه‌ساز پذیرش انقلاب مهدوی می‌شود. جهان امروز با بحران‌های اخلاقی، فرهنگی و سیاسی در آستانه تحول است؛ تحولی که بر مدار فطرت، معنویت و عدالت خواهد چرخید.

انقلاب اسلامی ایران؛ مقدمه‌ای بر انقلاب جهانی مهدوی

در قرن اخیر، انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان نقطه عطفی تاریخی شناخته می‌شود که با تمسک به قرآن، ولایت و آموزه‌های مهدوی، مسیر تمدن‌سازی دینی را آغاز کرده است. علامه محمد رضا حکیمی در آثار خود، این انقلاب را «نقشی از نهضت امام زمان (عج)» می‌خواند؛ جریانی که با اتکا بر انتظار فعال، مبارزه با استکبار و تقویت هویت اسلامی، جهان را به سمت پذیرش حاکمیت عدل آماده می‌سازد.

وظایف مردم در عصر غیبت؛ از معرفت تا مبارزه

دوران غیبت، زمان سکون و انفعال نیست، بلکه مرحله‌ای حیاتی برای آماده‌سازی جامعه اسلامی جهت پذیرش ظهور است. وظیفه منتظران در قرآن و روایات به‌صراحت مشخص شده: کسب معرفت نسبت به امام، تهذیب نفس،

اقامه عدل در سطح فردی و اجتماعی، و مبارزه با ظلم. آیت‌الله سید محمد مهدی میرباقری در آثار خویش تأکید می‌کند که عصر غیبت، دوران تربیت اجتماعی مؤمنان برای مشارکت در حکومت جهانی امام زمان (عج) است **تجلی وعده الهی؛ از عصر ظلمت تا دوران نور**

ظهور امام زمان (عج) نقطه پایانی بر استبداد و فساد جهانی است و آغاز عصر نور و عدالت فراگیر خواهد بود. این تحول «برچیده‌شدن بساط ظلم و آغاز حکومت توحیدی فطری» است. این حکومت، بر پایه وحی، عقل و فطرت بنا می‌شود و انسان را به کمال مطلوب خود نزدیک خواهد کرد.

منابع:

۱. حکومت عدل جهانی امام زمان (عج) - رضا قارزی
۲. تحقق وعده‌های قرآنی با حکومت امام زمان (عج) - جواد نصرالله‌پور
۳. ساختار حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) - مجمع جهانی شیعه‌شناسی

ظهور امام زمان (عج) نقطه پایانی بر استبداد و فساد جهانی است و آغاز عصر نور و عدالت فراگیر خواهد بود. این تحول «برچیده‌شدن بساط ظلم و آغاز حکومت توحیدی فطری» است



ظهور نقطه عطف در تاریخ بشریت

ظهور، تنها رویدادی دینی نیست

پدیده ظهور امام زمان (عج) نه تنها رخدادی ایمانی، بلکه تحول عظیم جهانی است که با زمینه‌سازی در ساحت‌های سیاسی، فرهنگی، و اجتماعی همراه خواهد بود. در اندیشه شیعی، ظهور امام حجت (عج) نقطه عطفی در تاریخ بشر است که آغاز مرحله‌ای جدید از زندگی انسانی را رقم خواهد زد؛ مرحله‌ای بر پایه عقل، عدالت و توحید.

فروپاشی نظم سلطه گر جهانی؛ پیش زمینه تحول مهدوی

تمدن غربی بر پایه اومانیسم و سودگرایی بنا شده است؛ اما در قرن اخیر، نشانه‌های فروپاشی این نظام بیش از پیش نمایان شده‌اند. بحران‌های زیست محیطی، جنگ‌های بی پایان، شکاف‌های اجتماعی، و سقوط اخلاقی، از نشانه‌های افول تمدنی‌اند. این فروپاشی، در روایت‌های اهل بیت (ع) به عنوان «اضطراب آخر الزمان» معرفی شده و پیش زمینه‌ای برای ظهور منجی است.

بیداری فطرت‌ها؛ بازگشت به سرچشمه توحید

با خستگی انسان مدرن از مکاتب بشری، فطرت‌های الهی بیدار شده‌اند. گرایش جوامع به معنویت، عدالت‌خواهی جهانی، و تمایل به حکمرانی اخلاقی، همگی نشانه‌ای از بازگشت انسان به اصل الهی وجود خویش است. این بازگشت، در فرهنگ مهدوی، زمینه‌ساز پذیرش امامی است که محور فطرت و وحی را در حکمرانی می‌آورد.

آیت‌الله سید محمد مهدی میرباقری می‌نویسد: «انسان در عصر ظهور، نه بر اساس قدرت، بلکه بر اساس معنا، در نسبت با امام قرار می‌گیرد. این تغییر نگرش، حاصل بیداری فطرت در دل بحران‌هاست.»

نهضت‌های مقاومت و عدالت‌خواهی؛ تپش‌های زمین در آستانه ظهور

در جهان معاصر، نهضت‌های مردمی در برابر استکبار، ظلم و اشغالگری به عنوان بخشی از زمینه‌سازی ظهور ارزیابی می‌شوند. انقلاب اسلامی ایران، حزب الله لبنان، حرکت‌های عدالت طلب در آمریکای لاتین، بیداری اسلامی و حتی اعتراضات اجتماعی علیه فساد در کشورهای غربی، همه نشانه‌ای از بیداری بشریت برای تغییرند. علامه محمد رضا حکیمی در آثار خویش، این حرکات را «ندای فطرت در جستجوی عدالت» می‌نامد و آن‌ها را مقدمه‌ای برای ظهور حضرت قائم (عج) قلمداد می‌کند.

نقش رسانه‌های جهانی؛ شکل دهی به آگاهی جمعی

با گسترش رسانه‌ها و فضای مجازی، مفاهیم حق طلبی، فسادستیزی و انتظار جهانی قابل انتشار شده‌اند. جریان‌سازی رسانه‌ای در راستای امید به نجات و عدالت، بخشی از تغییر گفتمان جهانی است. این امر، برخلاف تصور برخی، تضعیف دیانت نیست بلکه فرصتی است برای رساندن پیام ظهور به گوش جهانیان.

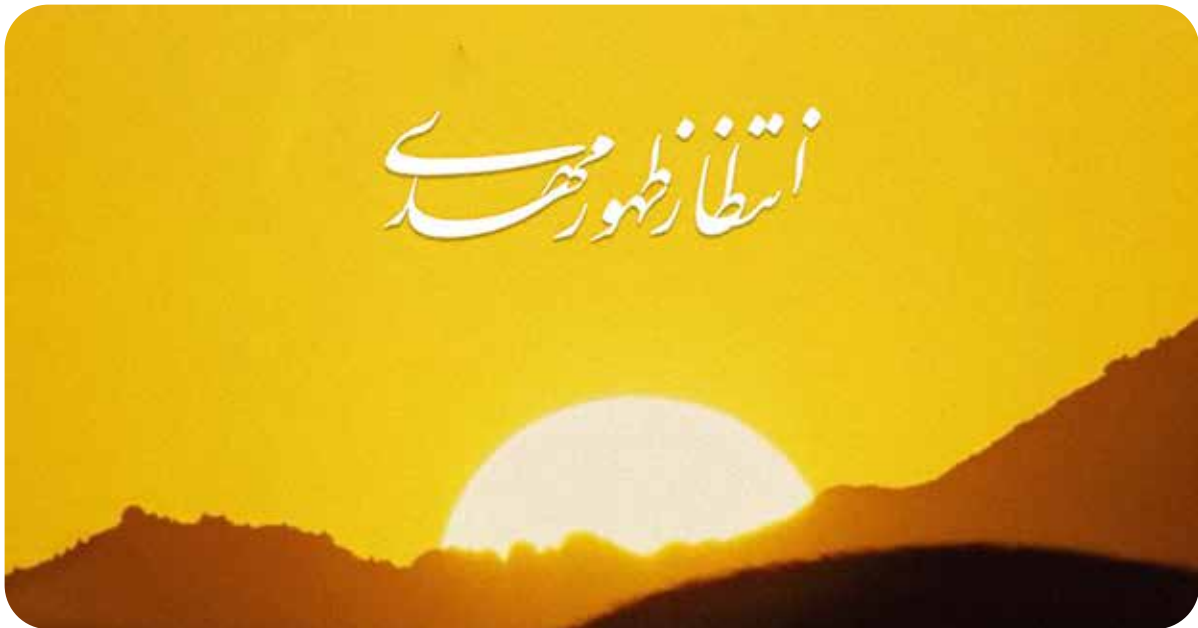
انتظار در سطح جهانی؛ موعودشناسی فراتر از تشیع

اندیشه منجی آخر الزمان در تمامی ادیان ابراهیمی وجود دارد. یهودیت منتظر «ماشیح»، مسیحیت در انتظار بازگشت عیسی (ع)، و اسلام منتظر قائم از اهل بیت است. این اشتراک، بستری برای گفت و گوی بین المللی درباره حقیقت موعود فراهم کرده و می‌تواند اتحاد معنوی و الهی را در سطح جهانی رقم بزند. «ظهور»، پایان نزاع‌های بشری بر سر منجی و آغاز وحدت دینی در پرتو حقیقت قرآن خواهد بود.

منابع:

۱. روایت تولد تمدن از دل بحران - یوسف پورجم
۲. جهانی شدن و نقش آن در زمینه‌سازی ظهور - رحیم کارگر
۳. اصول و ضوابط حاکم بر سیر تمدن‌ها - علی اکبر رشاد

با گسترش رسانه‌ها و فضای مجازی، مفاهیم حق طلبی، فسادستیزی و انتظار جهانی قابل انتشار شده‌اند. جریان‌سازی رسانه‌ای در راستای امید به نجات و عدالت، بخشی از تغییر گفتمان جهانی در حوزه‌های سیاسی و فرهنگی است



انقلاب اسلامی؛ گام بلند انسانیت به سوی ظهور جهانی مهدوی

انفجار نور در تاریکی تمدن‌ها

در جهانی فرورفته در گرداب ظلم و الحاد، انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ همانند انفجاری از نور، مسیر تاریخ را به سمت آرمان‌های توحیدی بازآفرینی کرد. این انقلاب، برخاسته از ریشه‌های عمیق قرآنی و مهدوی بود؛ انقلابی که نه فقط برای تغییر یک نظام سیاسی، بلکه برای زمینه‌سازی ظهور حجت خدا برپا شد.

ماهیت انقلاب اسلامی؛ امتداد قیام‌های الهی

انقلاب اسلامی، در امتداد قیام‌های انبیا و اولیا قرار گرفت؛ قیامی که هدفش برقراری قسط، اقامه توحید، و مبارزه با طاغوت بود. در سوره انبیا آمده است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ... أَنْ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ این وعده، محور حرکت امت اسلامی در عصر غیبت شد، و جمهوری اسلامی ایران ساختار لازم برای تحقق این وعده را پایه‌ریزی کرد.

از نگاه اندیشه شیعی، انقلاب اسلامی نه آغاز، بلکه حلقه‌ای از زنجیره زمینه‌سازی برای ظهور منجی موعود است. حضرت آیت‌الله سید محمد مهدی میرباقری معتقد است: «انقلاب اسلامی، حلقه اتصال بین عصر غیبت و حکومت جهانی امام‌زمان (عج) است.»

ویژگی‌های تمدن‌ساز انقلاب اسلامی

سه ویژگی بنیادین انقلاب اسلامی آن را از دیگر انقلاب‌ها متمایز می‌سازد:

- **توحیدمحوری:** اساس حرکت، نفی سلطه‌های شیطانی و پذیرش ولایت الهی بود.
- **انتظار فعال:** جامعه انقلابی ایران، در عین انتظار فرج، برای عدالت جهانی تلاش کرد.

• **بازتعریف هویت اسلامی:** بازگشت به اسلام ناب و فاصله‌گیری از التقاط‌گرایی موجب ایجاد الگوی هویتی جدید شد. این سه مؤلفه، در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی، پدیده‌ای بی‌نظیر رقم زد که به اعتراف بسیاری از اندیشمندان غربی، آغاز عصر جدیدی در تمدن انسانی بود.

بازتاب جهانی انقلاب؛ بازگشت امید به بشریت

انقلاب اسلامی نه تنها برای مسلمانان، بلکه برای همه مستضعفان جهان پیام داشت. نهضت‌های اسلامی، گروه‌های عدالت‌طلب، بیداری اسلامی در کشورهای عربی، و حتی اعتراضات ضد نئولیبرالی در غرب، از بازتاب‌های مستقیم انقلاب اسلامی بودند. علامه محمدرضا حکیمی در آثار خود اشاره می‌کند که «انقلاب اسلامی، نغمه‌ای از طلیعه ظهور است که در جان فطرت‌های عدالت‌خواه جهان طنین‌انداز شده است.»

اتصال انقلاب اسلامی با آموزه‌های مهدوی

پیوند انقلاب اسلامی با مهدویت در چند حوزه قابل تأمل است:

- **ولایت فقیه:** الگوی مدیریتی عصر غیبت که زمینه حکمرانی صالحان را آماده می‌سازد.

- **فرهنگ شهادت:** روحیه ایثار، یکی از پایه‌های یاری امام عصر (عج) است.

- **بصیرت سیاسی - دینی:** امت انقلابی ایران با فهم دقیق از دشمن‌شناسی و اهداف الهی، آماده استقبال از حکومت حق شده‌اند. در روایت امام صادق (ع) آمده است: «قائم نمی‌آید، مگر پس از آنکه مردم غربال شوند و خالصان باقی بمانند.» انقلاب اسلامی، فرایند غربال‌گری را در سطح امت اسلامی آغاز کرده است.

منابع:

۱. مهدویت، قلب تپنده انقلاب اسلامی و نیروی محرکه به‌سوی عدالت جهانی - محمود ملکی‌راد
۲. ویژه‌نامه انقلاب اسلامی و انتظار - بنیاد فرهنگی حضرت مهدی (عج)

در روایت امام صادق (ع) آمده است: «قائم نمی‌آید، مگر پس از آنکه مردم غربال شوند و خالصان باقی بمانند.» انقلاب اسلامی، فرایند غربال‌گری را در سطح امت اسلامی آغاز کرده است.

ما غایبیه

او منتظر ماست...

عصر غیبت؛ مسئولیت بزرگ امت در انتظار ظهور

تهذیب نفس شامل دوری از گناه، توجه به تقوا، رعایت حقوق دیگران، و توجه به سبک زندگی اسلامی است؛ سبک زندگی‌ای که ریشه در فطرت دارد و به‌سوی نور امام سوق می‌دهد.

مبارزه با ظلم؛ تمرین مشارکت در قیام جهانی

ظهور امام‌زمان (عج) با مبارزه با نظام‌های ستمگر همراه خواهد بود. امت در عصر غیبت باید این مبارزه را از هم‌اکنون آغاز کند؛ نه از راه خشونت، بلکه با ساختن هویت مستقل اسلامی، مبارزه فرهنگی، ایستادگی در برابر استکبار، و یاری مظلومان.

اقامه عدل در سطح فردی و اجتماعی

تلاش برای تحقق عدالت در ساختار حکمرانی، روابط فردی، اقتصادی، خانوادگی و فرهنگی باید صورت پذیرد. در سوره حدید آمده است: «لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ و این آیه اساس کار منتظران ظهور است. هر کس که در مسیر عدالت قدم بردارد، به نهضت جهانی مهدی نزدیک‌تر خواهد شد.

نقش ولایت فقیه در سازمان‌دهی عصر انتظار

در عصر غیبت، جامعه اسلامی به الگوی ولایت دینی برای استمرار راه امامت نیاز دارد. ساختار ولایت فقیه، زمینه‌ساز تربیت جامعه منتظر است و امت را برای پذیرش حکومت جهانی امام‌زمان (عج) آماده می‌سازد.

منابع:

۱. وظیفه شیعیان در زمان غیبت - ویکی‌فقه
۲. وظیفه ما در عصر غیبت امام‌زمان (عج) - اسلام کوئست
۳. ۸۰ وظیفه منتظران در عصر غیبت - سید محمدتقی موسوی اصفهان

غیبت، آغاز مسئولیت تاریخی

دوران غیبت امام‌زمان (عج)، برخلاف تصور رایج، زمان انفعال و چشم‌انتظاری خام نیست؛ بلکه مرحله‌ای سرنوشت‌ساز در تاریخ بشریت است که امت اسلامی باید با بیداری، بصیرت، و عمل، آن را به عصر ظهور پیوند دهد. این دوران، آزمون عقلانیت دینی، تربیت جمعی، و سنجش وفاداری به عهد الهی است. در قرآن کریم آمده است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا... لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» (سوره نور: آیه ۵۵)، و این وعده نه در خلأ، بلکه در پرتو عمل مؤمنان تحقق می‌یابد.

انتظار؛ مفهومی پویا و تمدن‌ساز

انتظار در فرهنگ اهل بیت (ع) به معنای سکوت یا انزوا نیست، بلکه یک برنامه تربیتی و تمدنی است. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «منتظر فرج بودن، از افضل اعمال است». این انتظار، همراه با شناخت امام، آمادگی روحی، مبارزه با ظلم و تلاش برای اقامه عدل معنا می‌یابد. علامه محمدرضا حکیمی، در مباحث عدالت‌گستری خود، انتظار را «حالت استعدادی برای پذیرش حاکمیت حق» تعریف می‌کند؛ حالتی که هم شناخت می‌طلبد و هم حرکت.

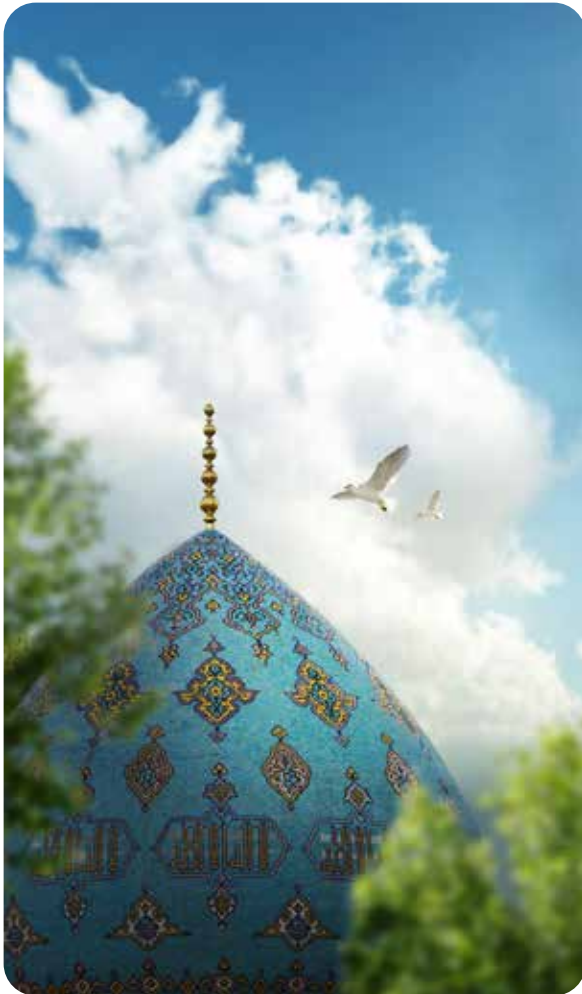
وظیفه معرفت‌افزایی نسبت به امام‌زمان (عج)

نخستین وظیفه امت اسلامی، کسب معرفت صحیح نسبت به امام غایب است. امام‌زمان (عج) نه یک شخصیت دوردست، بلکه حجت خدا بر زمین و محور هستی است. قرآن در آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ...» (مائده: ۵۵) به ولایت الهی اشاره می‌کند که در ادامه، ولایت معصومان را تبیین می‌نماید. شناخت امام، مقدمه اطاعت از او و آمادگی برای پیوستن به نهضت جهانی ایشان است.

تهذیب نفس و آماده‌سازی اخلاقی

امت منتظر باید از نظر اخلاقی و رفتاری در سطحی باشد که شایستگی همراهی با امام را پیدا کند. در روایات، «غربال‌گری در عصر غیبت» به‌عنوان فرایند پالایش معنوی مؤمنان مطرح شده است.

نخستین وظیفه امت اسلامی، کسب معرفت صحیح نسبت به امام غایب است. امام‌زمان (عج) نه یک شخصیت دوردست، بلکه حجت خدا بر زمین و محور هستی است



وعده الهی ظهور؛ تحقق یقین از متن وحی

ظهور، مقصد تمام وعده‌ها

در سیر تاریخ الهی، وعده‌هایی از جانب خداوند متعال مطرح شده که نقطه اوج آن، ظهور منجی عالم بشریت و تحقق حاکمیت جهانی عدل و توحید است. این وعده نه یک پیش‌گویی مبهم، بلکه پیام صریح خداوند در کتاب مقدس قرآن کریم است که در کنار تبیین نبوت، امامت، و عدالت، از آینده‌ای روشن برای انسان سخن می‌گوید.

علامه محمد رضا حکیمی در آثار معرفتی خود، ظهور را «جامع‌ترین وعده الهی در تاریخ بشریت» معرفی می‌کند؛ وعده‌ای که بشر را از تاریکی نظام‌های طاغوتی به نور عدالت هدایت خواهد کرد.

وعده خلافت صالحان؛ میراث زمین از اهل ایمان

در آیه ۵۵ سوره نور آمده است: وَعَلَى اللَّهِ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ... لِيَسْتَخْلَفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ

— خداوند به کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده داده که ایشان را جانشین در زمین گرداند. این وعده، در تفسیر بسیاری از مفسران شیعه، به ظهور امام‌زمان (عج) تطبیق یافته است. چرا که او کامل‌ترین تجلی ایمان و عمل صالح و مجری قسط الهی در زمین است. آیت‌الله سید محمد مهدی میرباقری در بیانات تفسیری خویش، این آیه را «پایه معرفتی برای ایمان به ظهور» می‌داند که از زبان خداوند، حاکمیت صالحان را وعده داده است.

وعده وراثت مستضعفان؛ صعود مظلومان در عصر ظهور

در سوره قصص آیه ۵ آمده است: وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا... وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ما اراده کردیم که بر مستضعفان زمین منت بگذاریم، آنان را پیشوایان قرار دهیم و وارث زمینشان کنیم. این آیه، نوید آشکار خداوند درباره جابه‌جایی نظام سلطه و شکل‌گیری حکومت عدل است. مستضعفان، همان انسان‌هایی‌اند که زیر بار ظلم، فساد و تبعیض قرار گرفته‌اند، و در عصر ظهور، به جایگاه رفیع خود خواهند رسید.

وعده تحقق عدل جهانی؛ اقامه قسط، هدف نهایی

یکی از مقاصد اصلی ظهور، اقامه عدالت فراگیر است. قرآن کریم در سوره حدید آیه ۲۵ می‌فرماید: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا... لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ما پیامبران را فرستادیم تا مردم عدالت را به پا دارند. تمامی انبیا مقدمه‌ای برای ظهور بودند، و انقلاب امام مهدی (عج) تحقق کامل این هدف است. در روایات آمده است که امام‌زمان (عج) زمین را پر از عدل خواهد کرد، همان‌گونه که پر از ظلم شده بود. علامه حکیمی این وعده را «مکمل رسالت انبیا» دانسته که در عصر ظهور به بار خواهد نشست.

وعده تحقق نور الهی؛ سیطره توحید بر زمین

در سوره توبه آیه ۳۳ آمده است: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ...

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ
— اوست خدایی که پیامبر خویش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دین‌ها پیروز گرداند.
این آیه، از غلبه اسلام ناب و توحید بر تمام مکاتب بشری سخن می‌گوید؛ امری که در عصر ظهور، با حاکمیت حضرت ولی عصر (عج) محقق خواهد شد. ظهور امام، زمان آشکار شدن حقیقت اسلام برای همه انسان‌هاست؛ دینی بر اساس رحمت، عقلانیت و عدالت.

منابع:

۱. تفسیر تسنیم (جلدهای مربوط به آیات ظهور و وعده‌های الهی) - آیت‌الله عبدالله جوادی آملی
۲. دادگستر جهان - ابراهیم امینی
۳. ویژگی وعده‌های الهی در قرآن و روایات - محمد کاوه و فاطمه محمدحسینی

علامه محمد رضا حکیمی در آثار معرفتی خود، ظهور را «جامع‌ترین وعده الهی در تاریخ بشریت» معرفی می‌کند؛ وعده‌ای که بشر را از تاریکی نظام‌های طاغوتی به نور عدالت هدایت خواهد کرد



انتظار فعال؛ سرمایه گذاری الهی برای طلوع حقیقت

انتظار، نقطه اتصال ایمان و عمل

در ادبیات قرآنی و روایی، «انتظار» مفهومی صرفاً ذهنی یا احساسی نیست؛ بلکه نوعی آمادگی همه جانبه برای ساختن آینده ای روشن و متعالی بر محور حق است. انتظار نه حالت رکود که جوشش درونی برای مشارکت در تحقق وعده الهی است. در منظومه معرفتی اهل بیت (ع)، منتظر کسی است که نه تنها با قلب، بلکه با عمل، خود را برای طلوع خورشید ولایت آماده کرده باشد.

انتظار در قرآن؛ مفهومی پویا و آینده ساز

قرآن کریم در آیات متعدد، از امید به آینده عدل گستر سخن گفته است. در سوره توبه آیه ۴۶ آمده است: وَلَكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انْبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ. این آیه، تفکیک کننده منتظران فعال از قاعدین بی عمل است. منتظران واقعی، برخلاف قاعدین، در مسیر آمادگی، جهاد و اقامه قسط گام برمی دارند.

در سوره قصص آیه ۵، وعده برتری مستضعفان و وراثت زمین مطرح شده است؛ منتظران ظهور، همان مستضعفانی اند که در مسیر تحقق این وعده الهی، در عرصه های تربیتی، اجتماعی و معرفتی نقش آفرینی می کنند.

ویژگی های انتظار فعال در منظومه روایی

در روایت مشهور از امام صادق (ع) آمده است: افضل اعمال شیعتنا انتظار الفرج

این حدیث نشان می دهد که انتظار، نه تنها ارزشمند، بلکه در اوج فضیلت های عبادی قرار دارد. اما این انتظار، ابعاد مشخصی دارد:

- **شناخت امام زمان (عج):** شناخت نسبت به شخصیت، اهداف، و وظیفه امت در قبال امام، اولین قدم است.
- **تهذیب نفس:** منتظر واقعی، نفس خویش را از آلودگی ها می پیراید و خود را شایسته همراهی با امام می سازد.
- **بصیرت اجتماعی:** انتظار، همراه با آگاهی از جریان های سیاسی، فرهنگی و بین المللی عصر غیبت است.
- **مشارکت در اقامه قسط:** ساختن جامعه ای مبتنی بر عدالت، زمینه ساز پذیرش حکومت مهدوی است.

انتظار و امید؛ پیوند قلبی با وعده الهی

انتظار با امیدی مقدس آمیخته است؛ امید به تحقق نور در انتهای ظلمت. برخلاف امیدهای مبتنی بر خیالات، امید در فرهنگ قرآنی، مبتنی بر وعده صریح الهی است. در سوره نور آیه ۵۵، وعده خلافت مؤمنان در زمین داده شده است؛ و منتظر کسی است که با ایمان به این وعده، در مسیر تحقق آن گام بردارد.

آثار فردی و اجتماعی انتظار فعال

انتظار، شخصیت ساز است. انسانی که در انتظار امام زمان (عج) زندگی می کند، در گفتار، رفتار و نگرش، تلاش

می کند تا هویت خود را با معیارهای الهی تطبیق دهد. آثار اجتماعی آن نیز قابل توجه است:

- **ایجاد روحیه مقاومت در برابر ظلم**
- **تقویت همبستگی ایمانی در جامعه**
- **ترویج سبک زندگی مهدوی و مسئولیت پذیری اجتماعی**
- **تولید گفتمان فرهنگی و تمدن ساز حول محور ولایت**

منبع

۱. علامه محمد رضا حکیمی - مباحث انتظار، عدالت و هویت دینی

۲. آیت الله سید محمد مهدی میرباقری - بیانات معرفتی درباره انتظار و

تمدن اسلامی

۳. استاد غلام رضا گلی زواره - آثار تحلیلی در باب غیبت، انتظار و تمدن

مهدوی

انتظار با امیدی مقدس آمیخته است؛ امید به تحقق نور در انتهای ظلمت. برخلاف امیدهای مبتنی بر خیالات، امید در فرهنگ قرآنی، مبتنی بر وعده صریح الهی است



حکومت جهانی مهدوی؛ معماری عدل در گستره بشریت

حکومت بر مدار وحی

حکومت حضرت ولی عصر (عج)، آغاز عصری از حاکمیت عقل، وحی، و فطرت بر انسان است. این حکومت، تجلی وعده‌های الهی در قرآن کریم و نقطه اوج رسالت انبیا است که در آن، انسان نه تحت سلطه قدرت‌های بشری، بلکه در مدار نور هدایت الهی است.

اصل جهانی بودن حکومت؛ از امت تا بشریت

یکی از شاخص‌های بارز حکومت امام زمان (عج)، فراگیری جغرافیایی آن است. در قرآن کریم، آیات متعددی بر خلافت صالحان در سراسر زمین دلالت دارند. سوره نور آیه ۵۵ می‌فرماید: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا... لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ - این خلافت، محدود به یک منطقه نیست، بلکه گستره‌ای جهانی دارد؛ به گونه‌ای که تمام ملت‌ها، تحت لوای عدل الهی زیست خواهند کرد.

در روایات نیز آمده است که امام زمان (عج) «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا»؛ زمین را سرشار از عدالت خواهد کرد، نه صرفاً بخشی از آن را. آیت‌الله سید محمد مهدی میرباقری، در بیانات معرفتی خود، این جهانی بودن را «شاخص وحدت‌بخش ادیان، فطرت‌ها و آرمان‌ها در عصر ظهور» معرفی می‌کند.

اصل عدل همه‌جانبه؛ از فرد تا ساختار

عدالت در حکومت مهدوی، یک شعار سیاسی نیست، بلکه ساختار جامعی است که در تمام ابعاد زندگی جاری خواهد شد:

- عدالت اقتصادی، با رفع فقر، انحصار و تبعیض
- عدالت اجتماعی، با حذف فاصله‌های طبقاتی و حمایت از مستضعفان
- عدالت فرهنگی، با پرورش معرفت، آزادی معنوی و گسترش عقلانیت

• عدالت حقوقی، با اجرای احکام الهی و حفظ کرامت انسان در سوره حدید آمده است: لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ - برپایی قسط، هدف نهایی رسالت انبیا بوده و امام زمان (عج) مجری کامل این

اصل خواهد بود.

اصل معرفت و عقلانیت در حکمرانی

حکومت امام مهدی (عج)، برخاسته از علم، عقل و وحی است. در این عصر، جهل کنار رفته و انسان‌ها بر پایه بصیرت، زندگی خواهند کرد. امام باقر (ع) فرمود: اذا قام قائمنا... يضع يده على رؤوس الناس، فتكمل به عقولهم - هنگامی که قائم قیام کند، دست خود را بر سر مردم می‌گذارد و عقول آنان کامل می‌شود.

این روایت، دلالت دارد بر آن که حکومت مهدوی، نه تنها ساختار سیاسی، بلکه تحول عقلانی در سطح بشریت خواهد بود. نخبگان، مردمان، و ساختارهای اجتماعی، همگی بر مدار فهم، حکمت و حکمرانی عقلی سامان خواهند یافت.

اصل امنیت و آرامش؛ جامعه‌ای فارغ از ترس

در حکومت حضرت حجت (عج)، ترس، اضطراب، ناامنی و تهدید جایگاهی ندارند. در روایت آمده است: وَيَذْهَبُ بِالشَّرِّ كَلَّةً وَيَبْقَى الْخَيْرُ كُلَّهُ. - تمام شر از جامعه برداشته می‌شود و خیر باقی خواهد ماند. امنیت در این عصر، نه فقط نظامی، بلکه فرهنگی، روانی، اقتصادی و اجتماعی است؛ جامعه‌ای که انسان‌ها در آن با کرامت، آزادی، و سلامت زیست می‌کنند.

منابع:

۱. ساختار حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) - مجمع جهانی شیعه‌شناسی
۲. نظریه تحلیلی نظام جهانی مهدویت - اسماعیل منصوری لاریجانی
۳. مهدویت و حکومت جهانی در قرآن - ایران سلیمانی و بتول عزیزی

امنیت در این عصر، نه فقط نظامی، بلکه فرهنگی، روانی، اقتصادی و اجتماعی است؛ جامعه‌ای که انسان‌ها در آن با کرامت، آزادی، و سلامت زیست می‌کنند



عقلانیت مهدوی؛ بازگشت خرد به مدار هدایت جهانی

مقدمه: ظهور، عقلانیت در قامت تمدن

در روزگاری که نظام‌های بشری یا درگیر افراط‌های تکنولوژیک‌اند یا گرفتار بحران‌های اخلاقی، قیام حضرت ولی عصر (عج) تجلی عقلانیتی دینی، اصیل و تمدن‌ساز است. نهضت مهدوی، برخاسته از عقل کل، امام معصوم، است که به گواه روایات، انسان‌ها را از جهل به علم و از سردرگمی به هدایت ارتقا خواهد داد.

علامه محمدرضا حکیمی در آثار معرفتی خود، ظهور را «بازگشت عقل به جایگاه حقیقی‌اش در هدایت انسان» معرفی می‌کند؛ عقلی که در پرتو وحی، مسیر زیستن را طراحی می‌کند.

جایگاه عقل در منظومه قرآنی و امامت

قرآن کریم بارها مؤمنان را به تعقل دعوت کرده است. در سوره یونس آیه ۱۰۰ آمده است: وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ - خداوند پلیدی را بر آنان قرار می‌دهد که تعقل نمی‌کنند.

این آیه نشان می‌دهد که عدم تعقل، منشاء انحراف است؛ و در نقطه مقابل، عقلانیت، زمینه‌ساز رشد و تطهیر فردی و اجتماعی است. در منظومه شیعی، امام معصوم عقل کل و میزان عقل بشریت است، و امام زمان (عج) در عصر ظهور، انسان‌ها را به بلوغ عقلانی خواهد رساند.

روایت کامل شدن عقول در عصر ظهور

در حدیثی از امام باقر (ع) آمده است: اذا قام قائمنا... یضع یدہ علی رؤوس الناس، فتکمل به عقولهم. - هنگام قیام قائم، دستش را بر سر مردم قرار می‌دهد و عقول آنان کامل می‌گردد.

این حدیث نشان‌دهنده آن است که عصر ظهور، دوره بلوغ عقل جمعی انسان است. حکومتی که بر اساس عقلانیت و حیانی بنا شده، با سیاست، اقتصاد، فرهنگ و تعلیم هم‌سوست و انسانی را می‌سازد که خود، محور عدالت‌طلبی و معنویت باشد.

عقلانیت و اصلاح اجتماعی در نهضت مهدوی

حرکت امام‌زمان (عج) اصلاح‌گرانه، بر پایه شناخت واقعی از حقیقت انسان، جامعه و ارتباطات انسانی است. این اصلاح‌گری، نه تنها مبتنی بر قهر و قدرت، بلکه بر اساس اقناع، تعلیم، تربیت و رشد عقلانی صورت خواهد گرفت. در حکومت مهدوی، اصلاح امور بر مدار استدلال، مشورت، و قانون الهی است؛ و مردم، نه بر اساس تقلید کور، بلکه بر اساس فهم و بصیرت حرکت خواهند کرد. علامه حکیمی معتقد است: «اصلاح مهدوی، انقلاب عقل‌هاست؛ نه انفجار خشم‌ها».

نقش عقل در تشخیص ولی حق

یکی از وظایف عقل، تشخیص امام معصوم و تبعیت از اوست.

در زیارت جامعه کبیره آمده: وَأَمَرَ بِاتِّبَاعِكُمْ وَفَرَضَ طَاعَتَكُمْ - اطاعت از اهل بیت، فرمان الهی است؛ و عقل، راه شناسایی آن فرمان است.

در عصر غیبت، شناخت و انتظار امام‌زمان (عج) نیازمند عقلانیت دینی و معرفتی است. نخبگان و مؤمنان باید با تحلیل عقلی، مفاهیم مهدوی را به جامعه منتقل کنند و از افراط و تفریط در فهم مهدویت پرهیز نمایند.

ساختار آموزشی عصر ظهور؛ تربیت عقلی امت

در حکومت جهانی مهدوی، علم، تربیت و آموزش جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت. انسان‌ها در سایه عقلانیت دینی، مسیر رشد، کشف حقیقت، و فهم هدف آفرینش را طی می‌کنند.

منابع:

۱. شاخصه‌های عقلانیت در آرمان‌شهر مهدوی از منظر حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی

۲. عقلانیت در حکومت جهانی مهدوی - آیت‌الله عبدالله جوادی

آملی

علامه محمدرضا حکیمی در آثار معرفتی خود، ظهور را «بازگشت عقل به جایگاه حقیقی‌اش در هدایت انسان» معرفی می‌کند؛ عقلی که در پرتو وحی، مسیر زیستن را طراحی می‌کند.



وعده ظهور در ادیان ابراهیمی؛ تجلی امید مشترک بشر در عصر انتظار

ظهور، رؤیای مشترک بشری

انسان از آغاز تاریخ در آرزوی پایان ظلم، استبداد و بی عدالتی زیسته است. این آرمان در بستر ادیان الهی به صورت وعده ظهور منجی شکل گرفته و به عنوان نقطه اوج تاریخ بشریت شناخته شده است. در سه دین بزرگ ابراهیمی - اسلام، یهودیت و مسیحیت - مسئله ظهور، امیدی مشترک برای تحول نهایی در حیات انسانی است.

ظهور در اسلام؛ وعده الهی تحقق عدل در گستره بشریت

اسلام و به ویژه مکتب اهل بیت (ع)، ظهور امام زمان (عج) را مهم ترین تحول آخرالزمان معرفی می کنند. در سوره نور آیه ۵۵ آمده است: **وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ... لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ.**

این وعده، به تحقق حاکمیت صالحان دلالت دارد و امام مهدی (عج)، مظهر این وعده الهی خواهد بود.

در روایات متعدد آمده است که حضرت مهدی (عج) زمین را پر از عدل خواهد کرد، همان گونه که پر از ظلم شده بود. قیام ایشان، برپایه توحید، عقلانیت، عدالت و معنویت خواهد بود و امت اسلامی وظیفه دارد با انتظار فعال، مسیر تحقق این وعده را هموار سازد.

ظهور در مسیحیت؛ بازگشت عیسی (ع) برای نجات بشریت

در مسیحیت، ایمان به «Second Coming» یا بازگشت حضرت عیسی (ع)، یکی از اصول اعتقادی است. بر اساس انجیل و آموزه های کلیسایی، عیسی (ع) در آخرالزمان بازمی گردد تا حکومت الهی را بنیان نهاده، مردگان را زنده کند و عدالت را در سراسر زمین برقرار سازد.

در اعتقادات اسلامی نیز، بازگشت حضرت عیسی (ع) در عصر ظهور امام مهدی (عج) مطرح شده است. در روایات آمده که ایشان نماز را به امامت حضرت ولی عصر (عج) اقامه خواهد کرد. این اشتراک، زمینه گفت و گوی بین دینی و همکاری در

شکل دهی امید جهانی به ظهور را فراهم می سازد.

ظهور در یهودیت؛ انتظار ماشیح و حاکمیت داوودی

در یهودیت، «ماشیح» یا مسیح، پادشاه موعود و نجات بخش قوم بنی اسرائیل است که از نسل داوود ظهور خواهد کرد. تورات و تلمود، ویژگی های وی را عدالت گستری، فرمانروایی الهی، و بازسازی معبد معرفی می کنند. دیدگاه های یهودی، بیشتر بر بُعد قوم گرایانه تمرکز دارند و ظهور را مرتبط با احیای هویت ملی یهود می دانند.

با این حال، اصل امید به نجات و حاکمیت الهی در این باور مشترک با اسلام و مسیحیت است.

تطبیق سه نگرش؛ اشتراکات و تمایزها

با بررسی آموزه های سه دین، می توان مؤلفه های مشترک و متفاوت را این گونه فهرست کرد:

یهودیت	مسیحیت	اسلام	مؤلفه
پادشاه ماشیح از نسل داوود	بازگشت حضرت عیسی (ع)	امام معصوم از اهل بیت (ع)	ماهیت منجی
قومی با تأثیر جهانی	جهانی و روحانی	جهانی و همه جانبه	گستره عدالت
یکتاپرستی سنی	تلفیق با تثلیث	کامل و وحی محور	وجه توحیدی
حفظ شریعت و هویت قومی	ایمان و اطاعت از کلیسا	انتظار فعال و زمینه سازی	نقش جامعه

علامه حکیمی در تحلیل های ادیانی خود، ظهور را «تقاطع همه آرمان های الهی» می خواند؛ جریانی که می تواند وحدت معنوی جهانی را رقم بزند.

منبع

۱. موعود در ادیان - دانشنامه مهدویت

۲. مهدویت در ادیان ابراهیمی - ویکی فقه

علامه حکیمی در تحلیل های ادیانی خود، ظهور را «تقاطع همه آرمان های الهی» می خواند؛ جریانی که می تواند وحدت معنوی جهانی را رقم بزند



انسان کامل؛ محور تحقق وعده ظهور و بازسازی عالم معنا

انسان، خلیفه الله یا موجود سرگردان؟

در دنیای معاصر، تصویر انسان در علوم انسانی غربی، موجودی نسبی، مصرف زده و بدون معناست. در مقابل، نگاه قرآنی، انسان را خلیفه الله، حامل اسماء الهی و ظرف تجلی حقیقت می داند. در این میان، «انسان کامل» در منظومه معرفتی اسلام، نه تنها تجلی مقام خلیفه الهی، بلکه کلید تحقق وعده ظهور، بازسازی عدالت و بنیان گذاری تمدن توحیدی است.

تعریف انسان کامل؛ نقطه اوج سیر معرفت و فطرت

انسان کامل، بر اساس متون عرفانی، فلسفی و روایی، کسی است که تمام استعدادهای فطری بشر را به کمال رسانده، مجرای اراده الهی بر زمین است. در عرفان اسلامی، امام معصوم (ع) تجلی انسان کامل در قالب عینی است؛ کسی که هویت انسان را از سطح حیوانی، به مقام عقل، معنا، و توحید ارتقا می دهد. در زیارت جامعه کبیره آمده است: خَلَقَكُمُ اللَّهُ أَنْوَارًا فَجَعَلَكُمْ بَعْزُهُ مُحَدِّقِينَ... این تعبیر نشان می دهد که انسان کامل، پیش برنده طرح الهی در هستی است و ظهور، نقطه اوج همین طرح آسمانی خواهد بود.

امام مهدی (عج)؛ انسان کامل در عصر تحقق وعده ها

امام زمان (عج)، تجلی کامل ترین مقام انسان در هستی است. در سوره ص آیه ۲۶ آمده: يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ... این خلافت، به صورت جامع و تمدنی در مهدی موعود (عج) به عنوان تجلی اسماء الهی در عرصه جهان تحقق می یابد.

قدرت هدایت انسان کامل؛ نه قدرت سیاسی، بلکه قدرت تکوینی

امام زمان (عج)، صرفاً حاکمی قدرتمند یا عدالت گستر نیست؛ بلکه ظرف هدایت تکوینی الهی در هستی است. حرکت اصلاحی ایشان بر پایه هدایت باطنی انسان هاست؛ تغییری که نه با زور، بلکه با بیداری فطرت، ارتقای عقل و تصفیه جان صورت می گیرد.

در روایت آمده است: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا... یضع یدہ علی رؤوس العباد فتجمع به عقولهم وتكمل به أعلامهم. یعنی ظهور، عصر شکوفایی عقل و فطرت است؛ مرحله ای که انسان ها، با پیروی از انسان کامل، به بلوغ معنوی دست خواهند یافت.

ظرفیت ولایت انسان کامل برای بازسازی تمدن

یکی از نقاط تمایز انسان کامل، توانایی مدیریت تمدنی بشر است. ساختار حکومت امام زمان (عج) بر مدار ولایت، عقلانیت، و کرامت انسانی شکل خواهد گرفت.

این ولایت، قدرتی نیست که به انسان تحمیل شود، بلکه پیوند فطری انسان با امام است که نظام اجتماعی را شکل می دهد.

ظهور؛ نقطه اتصال انسان کامل و انسان های تربیت شده

ظهور، لحظه ای است که انسان ها با آمادگی روحی، تربیت اخلاقی و معرفت صحیح، پذیرای هدایت انسان کامل خواهند شد. در واقع، هر چه جامعه به سمت تهذیب نفس، گسترش عدالت، و بیداری عقل حرکت کند، به تحقق ظهور نزدیک تر می شود.

انسان کامل نمی تواند در جامعه ای جاهل، منفعل و بی هدف تجلی کند؛ لذا ساختن جامعه منتظر، در واقع ساختن زمینه ظهور انسان کامل در عرصه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است.

منابع:

۱. علامه محمد رضا حکیمی - تأملات معرفتی درباره انسان، فطرت و ولایت

۲. آیت الله سید محمد مهدی میرباقری - بیانات تمدنی درباره جایگاه انسان کامل در حرکت الهی

یکی از نقاط تمایز انسان کامل، توانایی مدیریت تمدنی بشر است. ساختار حکومت امام زمان (عج) بر مدار ولایت، عقلانیت، و کرامت انسانی شکل خواهد گرفت



مناسبت‌های ماه

علیه‌السلام، در مسیر حفظ دین، عزت و استقلال، جان‌فشانی کرده‌اند. آنان نماد ایمان، استقامت و ایثار در برابر طغیان‌گران عصرند.

اعمال مستحب این روز

در منابع دینی، اعمالی چون غسل، روزه، نماز مخصوص شب سوم شعبان، زیارت امام حسین علیه‌السلام و خواندن دعای ویژه این روز توصیه شده است. دعای سوم شعبان، که از امام صادق علیه‌السلام نقل شده، سرشار از مضامین معرفتی، ولایی و توسل به اهل بیت است.



ولادت ابوالفضل‌العباس علیه‌السلام و روز جانباز

چهارم شعبان، روزی پرنور و پرفضیلت در تقویم اسلامی است که با ولادت حضرت ابوالفضل‌العباس علیه‌السلام، قمر بنی‌هاشم و علمدار کربلا، همراه شده است. این روز به پاس رشادت‌ها و ایثار بی‌نظیر ایشان در واقعه عاشورا، به‌عنوان روز جانباز نیز نام‌گذاری شده است؛ چرا که جانبازان با تأسی از وفاداری و فداکاری حضرت عباس، در راه دفاع از حق و وطن جان‌فشانی کرده‌اند.

حضرت عباس علیه‌السلام در سال ۲۶ هجری قمری در

سوم شعبان؛ روز ولادت امام حسین علیه‌السلام و پاسداری از حقیقت

سوم شعبان، روزی است که تاریخ اسلام را با نور ولایت و ایثار روشن کرده است. در این روز مبارک، حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام، سومین امام شیعیان، در مدینه چشم به جهان گشود و با ولادت خود، پیام‌آور آزادگی، عدالت‌خواهی و مقاومت در برابر ظلم شد. این روز در تقویم رسمی ایران به‌عنوان **روز پاسدار** نیز شناخته می‌شود؛ روزی برای تجلیل از خادمان ارزش‌های اسلامی که در مسیر امام حسین علیه‌السلام گام برداشته‌اند.

ولادت نوری از نور نبوت

در سال چهارم هجری قمری، امام حسین علیه‌السلام در خانه‌ای که محل نزول وحی بود، متولد شد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه و آله با آغوشی پر مهر او را پذیرفت و نام «حسین» را برایش برگزید؛ نامی که از سوی جبرئیل و به فرمان الهی انتخاب شد. ولادت آن حضرت، نه تنها اهل‌بیت، بلکه آسمان و زمین را نیز غرق در شادی کرد.

در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام آمده است:

هر کس امام حسین علیه‌السلام را در روز سوم شعبان زیارت کند، خداوند حاجتش را برآورده می‌کند و از سختی‌های دنیا و آخرت در امان خواهد بود.

روز پاسدار؛ ادامه راه سالار شهیدان

در سال ۱۳۵۸، حضرت امام خمینی رحمه‌الله‌علیه، با نگاهی عمیق به پیوند بین مسیر حسین علیه‌السلام و مجاهدت‌های پاسداران انقلاب، **سوم شعبان** را به‌عنوان **روز پاسدار** نام‌گذاری کرد. این نام‌گذاری، تجلی گفتمان فداکاری و مبارزه با ظلم است؛ زیرا پاسداران انقلاب اسلامی با تأسی از امام حسین

حضرت لیلی بنت ابی مره، در شهر مدینه است. این روز در تقویم رسمی ایران به‌عنوان **روز جوان** نام‌گذاری شده و نمادی از شجاعت، ایمان، و فداکاری نسل جوان به شمار می‌آید.

حضرت علی اکبر علیه‌السلام در سال ۳۳ هجری قمری دیده به جهان گشود و در واقعه عاشورا، باوجود سن کم، نخستین شهید از اهل بیت امام حسین علیه‌السلام بود. او در زیبایی، اخلاق، و سخن گفتن، شبیه‌ترین فرد به پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله بود و امام حسین علیه‌السلام می‌فرمود: «هرگاه مشتاق دیدار پیامبر می‌شدیم، به چهره علی اکبر نگاه می‌کردیم.» روز جوان، با الهام از شخصیت حضرت علی اکبر، فرصتی است برای تجلیل از ارزش‌های والای جوانی: ایمان، مسئولیت‌پذیری، و ایثار. در این روز، مراسم‌های فرهنگی و مذهبی برگزار می‌شود و جوانان با الگو گرفتن از سیره ایشان، مسیر رشد معنوی و اجتماعی خود را مرور می‌کنند.



زادروز فردوسی

زادروز حکیم ابوالقاسم فردوسی، شاعر نامدار ایرانی، در اول بهمن‌ماه هر سال برگزار می‌شود تا بزرگداشت یکی از پرآوازه‌ترین نمادهای فرهنگ و ادب پارسی باشد. او در حدود سال ۳۱۹ هجری شمسی در روستای پاژ مشهد چشم به جهان گشود و با خلق شاهنامه، اثری جاودانه در تاریخ ادبیات، زبان فارسی را از خطر نابودی نجات داد. شاهنامه مجموعه‌ای بی‌نظیر از داستان‌های پهلوانی، اسطوره‌های ایرانی و عبرت‌های اخلاقی است که همچنان پس از هزار سال در دل مردم جا دارد.

مدینه متولد شد. او فرزند امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و حضرت ام‌البنین سلام‌الله علیها بود. از همان کودکی، نشانه‌های شجاعت، ادب، و وفاداری در وجودش نمایان بود. در واقعه عاشورا، او با دستان بریده و قلبی پر از ایمان، برای رساندن آب به کودکان خیمه‌ها جان خود را فدا کرد و به نماد ایثار و وفاداری تبدیل شد.



ولادت امام زین العابدین علیه‌السلام

پنجم شعبان، روزی است که با ولادت امام **زین العابدین علیه‌السلام**، چهارمین امام شیعیان، نور خاصی بر تقویم اسلامی می‌تابد. ایشان در سال ۳۸ هجری قمری در شهر مدینه چشم به جهان گشودند و از همان آغاز، نشانه‌های بندگی، حلم و معرفت در وجودشان نمایان بود.

امام سجاد علیه‌السلام فرزند امام حسین علیه‌السلام و حضرت شهربانو، دختر یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانی بودند. القاب برجسته‌ای چون **سجاد** و **زین العابدین** نشان از عبادت‌های شبانه‌روزی و سجده‌های طولانی ایشان دارد. ایشان در واقعه عاشورا حضور داشتند و پس از آن، با صبر و دعا، پیام عاشورا را به نسل‌های بعد منتقل کردند. یکی از میراث‌های گرانسنگ امام، **صحیفه سجادیه** است؛ مجموعه‌ای از دعاها که سرشار از معارف بلند الهی، اخلاق، و تربیت انسانی است. این اثر، همچون گنجینه‌ای معنوی، جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ شیعه دارد.



ولادت علی اکبر علیه‌السلام و روز جوان

روز یازدهم شعبان، سالروز ولادت حضرت **علی اکبر علیه‌السلام**، فرزند بزرگوار امام حسین علیه‌السلام و

خداشناسی؛ از شناخت تا حضور

جست‌وجوی همیشگی انسان

از آغاز تاریخ، انسان در پی شناخت خالق بوده که جهان و جانش را آفریده است. حتی در جوامع به‌ظاهر بی‌دین، نوعی حس درونی نسبت به نیرویی برتر وجود دارد. این میل به خدا، در فطرت انسان نهاده شده است. قرآن کریم می‌فرماید: فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا (روم/۳۰).

انسان پیش از هر آموزش، در درون خود ندایی از معنا می‌شنود که او را به سوی خدا می‌خواند. این آغاز خداشناسی است؛ شناختی فطری که در دل هر انسان زنده است، اگر غبار غفلت بر آن ننشیند.

عقل و دل؛ دو مسیر یک حقیقت

خداشناسی تنها کار ذهن نیست، بلکه تلاشی هم‌زمان از سوی عقل و دل است. عقل انسان با مشاهده نظم دقیق هستی به وجود مبدای آگاه و حکیم پی می‌برد، و دل با عشق و نیاز به آرامش، او را می‌طلبد. قرآن می‌فرماید: سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ (فصلت/۵۳). آیات خدا در بیرون و درون ماست. علم تجربی نشانه‌ها را آشکار می‌کند، و ایمان آن‌ها را معنا می‌بخشد. در واقع، عقل راهنماست و دل محرک؛ و وقتی این دو هم‌سو شوند، انسان از شناخت ذهنی به حضور قلبی می‌رسد.

خداشناسی در آینه علم و تجربه

برخی می‌پندارند که علم، جای ایمان را گرفته است، اما واقعیت این است که علم درباره "چگونه" سخن می‌گوید و ایمان درباره "چرا". دانشمندان بزرگی چون آلبرت اینشتین و ماکس پلانک، از حیرت خود در برابر نظم کیهانی سخن گفته‌اند. اینشتین می‌گوید: احساس مذهبی حقیقی از آگاهی نسبت به رمز و راز جهان سرچشمه می‌گیرد.

در نگاه اسلامی نیز خداوند از انسان می‌خواهد که در طبیعت بیندیشد: قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (یونس/۱۰۱). بنابراین علم و ایمان نه دشمن، بلکه مکمل یکدیگرند. هر چه علم پیش می‌رود، شناخت از عظمت آفرینش بیشتر می‌شود و پرده از حضور خالق در جزئیات هستی برداشته می‌شود.

از شناخت تا حضور

شناخت خدا اگر در حد ذهن بماند، هنوز ناتمام است. هدف دین آن است که این شناخت به حضور قلبی و تغییر در زندگی بینجامد. امام علی (ع) در نهج البلاغه فرمود: أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ، وَ كَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصَدِّيقُ بِهِ، وَ كَمَالُ التَّصَدِّيقِ بِهِ تَوْحِيدُهُ، وَ كَمَالُ تَوْحِيدِهِ الْإِخْلَاصُ لَهُ (نهج البلاغه، خطبه ۱). یعنی آغاز دین، شناخت خداست، اما کمال این شناخت در اخلاص و پیوند وجودی با او تحقق می‌یابد. خداشناسی واقعی یعنی حضور خدا در رفتار، اخلاق و تصمیم‌های روزمره انسان. در این مرتبه، ایمان دیگر باور ذهنی نیست،



بلکه تجربه‌ای زنده از بودن در پیشگاه اوست.

نیاز زمان ما

در روزگاری که انسان با انبوه داده‌ها و اطلاعات احاطه شده، شاید بزرگ‌ترین نیاز او، بازگشت به تجربه‌ی حضور خدا باشد؛ حضوری که در هیاهوی جهان مدرن گم شده است. خداشناسی برای انسان امروز، نه بحثی فلسفی بلکه راهی برای بازیابی آرامش، معنا و هویت است. وقتی انسان بفهمد که تنها نیست، حتی در سخت‌ترین شرایط، امیدش زنده می‌ماند.

منابع:

۱. مرتضی مطهری، خدا در اندیشه بشر.

۲. آیت‌الله جوادی آملی، توحید در قرآن.

آیات خدا در بیرون و درون ماست. علم تجربی نشانه‌ها را آشکار می‌کند، و ایمان آن‌ها را معنا می‌بخشد. در واقع، عقل راهنماست و دل محرک؛ و وقتی این دو هم‌سو شوند، انسان از شناخت ذهنی به حضور قلبی می‌رسد



نقش انفاق در تربیت روحی انسان

ارتباط با زندگی امروز

در جامعه‌ی معاصر که فردگرایی و رقابت‌های اقتصادی چیره شده، نیاز به بازگشت به ارزش‌های انفاق بیش از هر زمان احساس می‌شود. انفاق در قالب‌های نوینی مانند مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، فعالیت‌های داوطلبانه، حمایت از آموزش و محیط زیست، می‌تواند به بازسازی معنویت در زندگی مدرن کمک کند. امروزه بسیاری از بحران‌های روحی، از احساس بی‌معنایی و انزوا ناشی می‌شود؛ در حالی که انفاق، پیوند دوباره‌ی میان انسان و جامعه ایجاد می‌کند.

مطالعات روان‌شناسی مثبت‌گرا نیز نشان داده‌اند که رفتارهای نوع‌دوستانه سطح شادی و رضایت از زندگی را افزایش می‌دهد. این همان حقیقتی است که قرآن با واژه‌ی «تزکیه» بیان می‌کند: «تَزَكِيهِمْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» (توبه، آیه ۱۰۳). یعنی انفاق، نه فقط پاک‌کننده مال، بلکه پالاینده روح است. انسان بخشنده سبک‌بار می‌شود؛ چرا که دل او دیگر به دارایی‌ها بسته نیست، بلکه به ارزش‌های جاودانه پیوند خورده است.

انفاق پلی است میان انسان و خدا، میان خودخواهی و انسان‌دوستی. هر بار که می‌بخشیم، نه تنها نیاز دیگری را رفع می‌کنیم، بلکه خود را از بند حرص، ترس و خودبینی رها می‌سازیم. جامعه‌ای که در آن روح انفاق زنده باشد، سرشار از همدلی و کرامت می‌شود.

منابع

۱. مطهری، مرتضی. انسان کامل. انتشارات صدرا، چاپ نوزدهم، ۱۳۹۸.
۲. واعظی، محسن. انفاق در قرآن و روان انسان. فصلنامه معارف اسلامی، شماره ۵۶، ۱۴۰۱.

انفاق پلی است میان انسان و خدا، میان خودخواهی و انسان‌دوستی. هر بار که می‌بخشیم، نه تنها نیاز دیگری را رفع می‌کنیم، بلکه خود را از بند حرص، ترس و خودبینی رها می‌سازیم. جامعه‌ای که در آن روح انفاق زنده باشد، سرشار از همدلی و کرامت می‌شود.

زندگی انسان تنها در بُعد مادی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه روح و وجدان اوست که معنا و جهت به آن می‌بخشد. در فرهنگ اسلامی، «انفاق» نه یک وظیفه اقتصادی، بلکه یک تمرین روحی و اخلاقی است. بخشیدن از آنچه دوست داریم، نوعی تربیت درونی است که انسان را از وابستگی‌ها آزاد می‌سازد. انفاق، مدرسه‌ای برای خودسازی و رشد معنوی است؛ زیرا هر بار که انسان می‌بخشد، از حصار «من» رها می‌شود و به دایره «ما» وارد می‌گردد.

تحلیل محتوایی

قرآن کریم، انفاق را نشانه ایمان راستین معرفی می‌کند: «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (ذاریات، آیه ۱۹). این تعبیر نشان می‌دهد که مال تنها متعلق به انسان نیست، بلکه بخشی از آن سهم نیازمندان است. در واقع، خداوند انسان را امانت‌دار نعمت‌ها می‌داند، نه مالک مطلق آن‌ها. در جای دیگر می‌فرماید: «مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً» (حدید، آیه ۱۱). تعبیر زیبا و استعاری «قرض به خدا» در این آیه، نشانگر کرامت روحی است که از عمل انفاق زاده می‌شود.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «مَنْ تصدَّقَ بعدلِ تَمْرَةٍ مِنْ كَسْبٍ طَيِّبٍ، فَإِنَّ اللَّهَ يَقْبَلُهَا بِيَمِينِهِ ثُمَّ يَرْبِّيْهَا لِصَاحِبِهَا كَمَا يَرْبِّيْ أَحَدَ كُم فَلَوْهُ حَتَّى تَكُونَ مِثْلَ الْجَبَلِ» (صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۳۶). در این حدیث، رشد معنوی ناشی از انفاق با رشد یک دانه کوچک تا کوهی عظیم تشبیه شده است؛ یعنی انفاق، روح انسان را به همان اندازه می‌بالد و می‌رویاند.

در نگاه عرفانی نیز، انفاق نوعی «ریاضت اخلاقی» است؛ تمرینی برای رها شدن از خودخواهی. به تعبیر امام علی (ع): «الْمَالُ مَادَّةُ الشَّهْوَاتِ وَ مَفْسَدَةُ الدِّينِ» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۲۶). پس تنها با بخشیدن، می‌توان از فساد روحی ناشی از دلبستگی به مال رهایی یافت. انفاق، انسان را از اسارت تملک نجات می‌دهد و او را به صفات الهی نزدیک می‌کند؛ زیرا خداوند خود «جواد» است و دوست دارد بند گانش نیز چنین باشند.



تدبّر؛ نگاه ژرف به آیات الهی

و همدلی مرتبطاند فعال می‌سازد. تدبّر، مراقبه‌ای الهی است که ذهن و دل را هم‌زمان تربیت می‌کند.

تدبّر، راهی برای اصلاح فرد و جامعه

قرآن در دعوت به تدبّر، تنها فرد را مخاطب قرار نمی‌دهد؛ جامعه را نیز به تفکر جمعی فرا می‌خواند. جامعه‌ای که اهل تدبّر باشد، در برابر انحراف و فریب مقاوم است. قرآن می‌فرماید: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (سوره رعد، آیه ۳). تدبّر جمعی یعنی به کارگیری خرد قرآنی در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و اخلاقی. از نگاه جامعه‌شناسی دین، تفکر دینی جمعی مانع از فروپاشی اخلاقی و رواج بی‌معنایی در جامعه می‌شود. در زمانه‌ای که تحلیل‌های سطحی و قضاوت‌های سریع جای اندیشه را گرفته‌اند، بازگشت به تدبّر قرآنی می‌تواند راهی برای بازسازی تفکر نقاد و مسئولیت‌پذیر باشد.

چگونه اهل تدبّر شویم؟

تدبّر به تمرکز، آرامش و استمرار نیاز دارد. نخست باید تلاوت را با درنگ و توجه همراه کرد، واژه‌ها را معنا کرد و آیه را در زندگی خود جست‌وجو نمود. به قول استاد مطهری، قرآن کتابی است که «باید در انسان جاری شود، نه فقط خوانده شود». وقتی انسان به این مرحله برسد، قرآن برای او نه فقط کتاب هدایت، بلکه راهنمای زندگی روزانه می‌شود.

منابع:

علامه طباطبایی، تفسیر المیزان

مصطفی ملکیان، عقلانیت و معنویت

قرآن، کتابی برای اندیشیدن

قرآن تنها کتابی برای تلاوت نیست؛ بلکه دعوتی همیشگی به اندیشیدن است. خداوند در آیهای که چهره‌ی تفکر قرآنی را بیان می‌کند می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (سوره محمد، آیه ۲۴). این آیه انسان را از خواندن سطحی برحذر می‌دارد و تدبّر را کلید گشایش قفل دل معرفی می‌کند. تدبّر یعنی نگاه ژرف به آیات، عبور از سطح واژه‌ها و رسیدن به حقیقت نهفته در پس آن‌ها. در جهان امروز که سیل اطلاعات مجال تفکر را گرفته است، تدبّر همان مهارت گمشده‌ای است که می‌تواند ذهن و جان انسان را دوباره به تعادل بازگرداند.

تدبّر، از دانستن تا زیستن

تدبّر، تنها فهم ذهنی نیست؛ نوعی زیستن در پرتو معناست. انسان وقتی در آیهای می‌اندیشد، نه تنها مفهوم را می‌فهمد بلکه آن را در تجربه‌ی درونی خود جاری می‌کند. قرآن در سوره ص، آیه ۲۹ می‌فرماید: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِّيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ». برکت قرآن در همین تدبّر است؛ اندیشیدن برای به‌خاطر سپاری و به‌کار بستن. از نگاه روان‌شناسی شناختی، تدبّر شباهت بسیاری به «تفکر تأملی» دارد که ذهن را از واکنش‌های سطحی رها کرده و قدرت قضاوت و تصمیم‌گیری را تقویت می‌کند.

تدبّر در آیات و تأثیر روانی آن

تدبّر، فرایندی عمیق از گفت‌وگوی انسان با خداست. هر آیه می‌تواند آینه‌ای باشد که انسان در آن چهره‌ی خویش را ببیند. امام علی (ع) می‌فرماید: «تَفَكَّرُوا فِي آلَاءِ اللَّهِ وَلَا تَفَكَّرُوا فِي اللَّهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶)؛ ببینید در نشانه‌های خدا، نه در ذات او. این سخن نشان می‌دهد که مسیر شناخت الهی از راه تدبّر در آیات و نشانه‌های او می‌گذرد. از منظر علمی نیز، اندیشیدن آرام و هدفمند در باره‌ی مفاهیم معنوی، موجب تنظیم هیجان‌ها، افزایش تمرکز و کاهش استرس می‌شود. مطالعه‌های عصب‌شناسی نشان داده‌اند که خواندن متون الهی همراه با تفکر، بخش‌هایی از مغز را که با آرامش

تدبّر، فرایندی عمیق از گفت‌وگوی انسان با خداست. هر آیه می‌تواند آینه‌ای باشد که انسان در آن چهره‌ی خویش را ببیند. امام علی (ع) می‌فرماید: «تَفَكَّرُوا فِي آلَاءِ اللَّهِ وَلَا تَفَكَّرُوا فِي اللَّهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶)؛ ببینید در نشانه‌های خدا، نه در ذات او



ریشه‌های تاریخی و فرهنگی اصالت در خانواده ایرانی

برابر انحرافات اجتماعی داشته است. از منظر روان‌شناسی اجتماعی، خانواده‌هایی که نظام ارزشی نیرومند دارند، در برابر فشارهای بیرونی مقاوم‌ترند و فرزندان با وجدان اخلاقی بالاتر تربیت می‌کنند. دکتر آلپورت، روان‌شناس برجسته، در نظریه‌ی شخصیت خود بر این نکته تأکید می‌کند که «پایداری ارزش‌ها در خانواده موجب تداوم سلامت روانی جامعه است». این اندیشه با آموزه‌های اسلامی هماهنگ است؛ چنان‌که امام علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَدِّدْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ» (نهج‌البلاغه، حکمت ۷۳)؛ هر کس خود را پیشوای مردم سازد باید نخست خود را تربیت کند. خانواده اصیل همان امام کوچک اجتماع است که با خودسازی، الگویی برای دیگران می‌شود.

بازخوانی ریشه‌ها در عصر جدید

امروز، خانواده ایرانی در برابر چالش‌هایی چون جهانی‌شدن، مهاجرت، و تغییر سبک زندگی قرار دارد. در این شرایط، حفظ اصالت خانوادگی تنها با تکیه بر تعهد اخلاقی و فرهنگی ممکن است. اگر خانواده ایرانی بتواند ارزش‌های خود را با نیازهای روز سازگار کند، اصالتش نه تنها از میان نمی‌رود بلکه نوزایی می‌یابد. بازتعریف نجابت در قالب احترام متقابل، کار شرافتمندانه، و تربیت آگاهانه فرزندان، راهی است برای امتداد میراث نیاکان در دنیای امروز.

منابع:

۱. زرین‌کوب، عبدالحسین. سرّی. انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱.
۲. فروم، اریک. هنر عشق ورزیدن. ترجمه‌ی اکبر تبریزی، نشر مروارید، ۱۳۸۵.

در جامعه ایرانی، خانواده اصیل همیشه نقش تعدیل‌کننده در برابر انحرافات اجتماعی داشته است. از منظر روان‌شناسی اجتماعی، خانواده‌هایی که نظام ارزشی نیرومند دارند، در برابر فشارهای بیرونی مقاوم‌ترند و فرزندان با وجدان اخلاقی بالاتر تربیت می‌کنند

در میان ملت‌هایی که میراث اخلاقی و فرهنگی غنی دارند، ایرانیان جایگاهی ویژه دارند. ریشه‌های اصالت خانوادگی در ایران نه تنها در پیوندهای خونی و نسبی، بلکه در پیوندهای فرهنگی و معنوی شکل گرفته است. خانواده ایرانی از دیرباز کانون تربیت، ادب و دیانت بوده است؛ جایی که رفتار و باور، از نسل پیشین به نسل پسین منتقل می‌شود. در روزگاری که مرزهای فرهنگی دستخوش تغییرند، بازشناسی این ریشه‌ها ضرورتی بنیادین برای حفظ هویت ملی و اخلاقی ماست.

خانواده؛ نهاد نخستین تمدن ایرانی

بر اساس پژوهش‌های تاریخی، ساختار اجتماعی ایران باستان بر محور خانواده استوار بوده است. در آیین زرتشت، خانواده کوچک‌ترین واحد اخلاقی جامعه به‌شمار می‌رفت و «راستی در گفتار و کردار» اساس تربیت خانوادگی بود. با ورود اسلام، این بنیان اخلاقی غنا یافت و بعدی الهی به خود گرفت. قرآن کریم می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْ لَنَا لِمَتَّعِينَ إِمَامًا» (فرقان، ۷۴)؛ و آنان که می‌گویند: پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرار ده و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان. این آیه نشان می‌دهد که در فرهنگ اسلامی، خانواده مرکز رشد معنوی و الگویی برای جامعه است.

نقش فرهنگ ایرانی در تثبیت نجابت خانوادگی

در ادبیات و اسطوره‌های ایرانی، خانواده جایگاه محوری دارد. در شاهنامه فردوسی، پدران و مادران نه تنها نگهبان خانه، بلکه پاسدار ارزش‌ها و شرافت‌اند. نجابت در رفتار، صداقت در گفتار و وفاداری به خانواده، از ویژگی‌های قهرمانان ایرانی است. این ارزش‌ها بعدها در فرهنگ اسلامی نیز امتداد یافتند. چنان‌که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ»؛ بهترین شما کسی است که برای خانواده‌اش نیکوتر باشد (سنن ترمذی، ج ۵، ص ۷۰۱). این سخن بیانگر پیوند اصالت ایرانی و اخلاق اسلامی در حفظ حرمت خانواده است.

خانواده اصیل؛ محور اخلاق و عدالت اجتماعی

در جامعه ایرانی، خانواده اصیل همیشه نقش تعدیل‌کننده در



نظام واجبات و نقش آن در سامان جامعه اسلامی

عدالت اجتماعی در پرتو واجبات

وجوهای شرعی مانند خمس و زکات، سازوکار مالی عدالت در جامعه‌اند. اگر به درستی اجرا شوند، شکاف طبقاتی کاهش یافته و منابع ثروت به جریان می‌افتد. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ الزَّكَاةَ تَسْكِينًا لِّمَا فِي أَيْدِي الْأَغْنِيَاءِ» (اصول کافی، ج ۳، ص ۴۹۸)، زکات، آرامش بخش دل اغنیاء و پناهگاه نیازمندان است. از این منظر، واجبات نه فقط تکلیف شرعی، بلکه طرحی اقتصادی و اجتماعی برای توزیع عادلانه منابع است.

واجبات و امنیت فرهنگی

نظام واجبات همچنین پاسدار هویت دینی جامعه است. بی‌توجهی به واجبات، نخستین گام در سست شدن پیوندهای فرهنگی و اعتقادی است. انجام واجبات، زبان مشترک مؤمنان و میراث معنوی نسل‌هاست. آنچه امت اسلامی را در تاریخ زنده نگاه داشته، نه شعارها بلکه استمرار همین تکالیف بوده است. در این معنا، واجبات همچون ریشه درخت‌اند؛ ممکن است از چشم پنهان باشند، اما حیات جامعه از آن‌ها تغذیه می‌شود. نظام واجبات در اسلام، نظامی جامع از عبادت، اخلاق و اجتماع است که هر جزء آن نقشی حیاتی در پایداری جامعه دارد. بی‌توجهی به این نظام، به معنای فروپاشی تدریجی نظم معنوی و اخلاقی است. جامعه‌ای که واجبات را پاس می‌دارد، در حقیقت ستون‌های عدالت، وحدت و معنویت خود را استوار نگاه می‌دارد.

منابع:

۱. شهید مرتضی مطهری، جامعه و تاریخ در قرآن، انتشارات صدرا.
۲. محمدباقر صدر، اقتصادنا، دارالتعارف للمطبوعات.

واجبات در اسلام تنها به رابطه انسان با خدا محدود نمی‌شوند، بلکه میان فرد و جامعه پلی برقرار می‌کنند. نماز، روزه، خمس و زکات، و حتی امر به معروف و نهی از منکر، هر یک وجهی از پیوند انسان با دیگران را تقویت می‌کند

جامعه اسلامی بر پایه مجموعه‌ای از ارزش‌ها و تکالیف الهی بنا شده است که به صورت هماهنگ، ساختار اخلاقی و اجتماعی انسان را سامان می‌دهد. در میان این ساختار، «نظام واجبات» ستون فقرات دین است؛ مجموعه‌ای از دستورهای الهی که نه صرفاً مناسک عبادی، بلکه نقشه جامع عدالت، نظم و رشد جمعی محسوب می‌شوند. قرآن کریم در تبیین این حقیقت می‌فرماید: «وَأَنَّ أَحْكَمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ» (مائده، ۴۹)؛ یعنی اداره جامعه بر اساس احکام الهی، ضامن عدالت و آرامش است.

واجبات؛ پیوند فرد و جامعه

واجبات در اسلام تنها به رابطه انسان با خدا محدود نمی‌شوند، بلکه میان فرد و جامعه پلی برقرار می‌کنند. نماز، روزه، خمس و زکات، و حتی امر به معروف و نهی از منکر، هر یک وجهی از پیوند انسان با دیگران را تقویت می‌کند. وقتی فرد به واجبات خود پایبند است، در واقع نظم اخلاقی و اعتماد اجتماعی را باز تولید می‌نماید. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرمود: «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيرًا مِنَ الشَّرِّ، وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهَاً عَنِ الْكِبَرِ، وَالزَّكَاةَ تَزِيدُ أَفْقَى الرِّزْقِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹). این کلام، نظام‌مندی واجبات را نشان می‌دهد؛ هر فریضه، بخشی از کارکرد کلان دین را در جامعه برعهده دارد.

نظم دینی در برابر آشوب فرهنگی

جهان امروز درگیر بحران معنا، نسبی‌گرایی اخلاقی و فروپاشی ارزش‌های جمعی است. در چنین شرایطی، نظام واجبات به‌مثابه نظام ارزشی پایدار عمل می‌کند. نماز جماعت، روزه عمومی و ادای وجوهای، همگی عرصه‌هایی از همبستگی اجتماعی‌اند. وقتی مردم در یک زمان مشخص رو به قبله می‌ایستند یا در ماهی واحد روزه می‌گیرند، وحدتی نمادین شکل می‌گیرد که هیچ نظام سیاسی یا فرهنگی نمی‌تواند جای آن را بگیرد. قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات، ۱۰) و این اخوت ایمانی از رهگذر انجام واجبات تحقق می‌یابد.



ساده‌زیستی در نگاه دینی و فلسفی

سادگی در زندگی انسان امروز

ساده‌زیستی در نگاه نخست، به معنای پرهیز از زرق و برق و اسراف است، اما در عمق خود نوعی بینش فلسفی به جهان و زندگی محسوب می‌شود. در روزگاری که سرعت مصرف‌گرایی و رقابت مادی چهره‌ی زندگی را دگرگون کرده است، بازگشت به سادگی، راهی برای باز یافتن آرامش درونی و معناست. سادگی یعنی انتخاب آگاهانه ضروریات، نه انکار لذت‌ها. به تعبیر بزرگان، انسان ساده‌زیست «نه از کمبود، بلکه از کفایت» لذت می‌برد. در واقع، ساده‌زیستی نوعی قدرت است؛ قدرت آزاد بودن از نیازهای کاذب و نمایش‌های بی‌پایان.

آموزه‌های قرآنی در ستایش سادگی

قرآن کریم در چندین آیه، انسان را از اسراف و تجمل باز می‌دارد و به اعتدال دعوت می‌کند: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان، ۶۷). این آیه معیار طلایی زندگی متعادل را بیان می‌کند؛ یعنی خرج کردن در حد نیاز، نه اسراف و نه تنگ‌نظری. از نگاه قرآن، سادگی نه فقر است و نه ریاضت، بلکه شکلی از تعادل و خردمندی است. امام علی (ع) نیز در نهج البلاغه می‌فرماید: «الْقَصْدُ فِي الْمَعِيشَةِ يُنْبِئُ عَنْ عِظَمِ الْقَدْرِ» (حکمت ۱۱۳). یعنی میانه‌روی در زندگی، نشانه‌ی بزرگواری انسان است.

الگوی نبوی در ساده‌زیستی

زندگی پیامبر اکرم (ص) زیباترین نمونه‌ی زیست ساده و بی‌تجمل است. در بحار الأنوار آمده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَأْكُلُ عَلَى الْأَرْضِ، وَيَجْلِسُ جَلْسَةَ الْعَبْدِ» (ج ۱۶، ص ۲۶۶). یعنی پیامبر (ص) بر زمین غذا می‌خورد و همچون بندگان خدا می‌نشست. خانه‌ی ایشان ساده بود، اما قلبش سرشار از نور و آرامش. آن حضرت نشان داد که کرامت انسان به ظاهر و لباس نیست، بلکه به پاکی نیت و آرامش دل است. حضرت علی (ع) نیز همین سیره را داشت؛ نانی ساده می‌خورد، لباس

معمولی می‌پوشید و می‌فرمود: «الْبَسُوا وَالْبَسُوا الْبُسْطَ، تَعْرِفُوا الْقُصْدَ فِي الْمَعِيشَةِ» (غررالحکم، ح ۷۸۴۰).

روان‌شناسی سادگی و آرامش درون

مطالعات روان‌شناسی معاصر نشان داده است که ساده‌زیستی با افزایش «رضایت درونی» و کاهش اضطراب همراه است. نظریه‌ی زندگی آگاهانه (Mindful Living) بر این اصل تأکید دارد که انسان با کاهش انباشت مادی، به آگاهی عمیق‌تری از خود و اطرافش می‌رسد. پژوهش‌های روان‌شناس ژاپنی «شومی ناکامورا» در زمینه‌ی مینیمالیسم نیز نشان داده است که افراد ساده‌زیست، احساس کنترل بیشتری بر زندگی دارند و به جای نگرانی درباره‌ی تصویر بیرونی، به رشد درونی خود توجه می‌کنند.

سادگی در فرهنگ ایرانی

در ادبیات فارسی نیز سادگی و قناعت از فضیلت‌های دیرینه به‌شمار می‌آید. سعدی می‌گوید: قناعت توانگر کند مرد را / خبر کن حریص جهان‌گرد را
این نگاه، با روح تعلیمات دینی هماهنگ است؛ زیرا انسان قانع در هر شرایطی آرام است، بی‌آن که اسیر حسرت یا مقایسه شود. بازگشت به سادگی، یعنی احیای همان روح ایرانی و اسلامی که بر ارزش درون، نه بر ظاهر بیرونی، تأکید دارد.

منابع:

۱. قرآن کریم، سوره فرقان، آیه ۶۷؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳؛ بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۶۶؛ غررالحکم، ح ۷۸۴۰.

انسان قانع در هر شرایطی آرام است، بی‌آن که اسیر حسرت یا مقایسه شود. بازگشت به سادگی، یعنی احیای همان روح ایرانی و اسلامی که بر ارزش درون، نه بر ظاهر بیرونی، تأکید دارد



مفهوم مردم‌باوری در اندیشه امام و رهبری

مردم‌باوری؛ بنیاد مشروعیت و پایداری نظام اسلامی

مردم‌باوری در اندیشه اسلامی به معنای ایمان به نقش تعیین‌کننده مردم در سرنوشت خود و جامعه است. قرآن کریم می‌فرماید: **إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ** (رعد: ۱۱). این آیه بر اصل تحول درونی و اراده جمعی تأکید دارد؛ یعنی تغییر اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که مردم خود خواهان آن باشند. امام خمینی (ره) بر همین اساس مردم را «ولی نعمتان انقلاب» می‌دانستند و می‌فرمودند: «این مردم‌اند که انقلاب را به پیروزی رسانده و باید همواره در صحنه بمانند» (صحیفه امام، ج ۶). از نگاه ایشان، هر حکومتی که از مردم جدا شود، از مسیر الهی فاصله گرفته است.

جایگاه مردم در حکومت اسلامی

در نظریه ولایت فقیه، مردم نه صرفاً تابع بلکه شریک در تحقق حاکمیت الهی‌اند. رأی مردم در جمهوری اسلامی، تجلی بیعت با امام عادل است. امام علی (ع) در خطبه ۳۴ نهج‌البلاغه فرمودند: **لَا قِيَامَ لِلْحُكْمِ إِلَّا بِالرَّعِيَّةِ**. یعنی حکومت بدون حضور و رضایت مردم پایدار نخواهد بود. این نگاه برخلاف نظام‌های استبدادی، مشارکت را رکن اصلی اداره جامعه می‌داند. رهبر معظم انقلاب نیز بر تداوم این سنت تأکید دارند: مردم در نظام اسلامی تماشاگر نیستند؛ خود صحنه‌اند (بیانات ۱۳۹۶/۱۱/۱۹).

مردم‌باوری در فرهنگ دینی و اخلاقی

در آموزه‌های دینی، مردم‌باوری با خدمت و تواضع همراه است. امام علی (ع) در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه خطاب به مالک اشتر فرمودند: **وَ أَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْحُبَّ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِهِمْ**. یعنی قلبت را با محبت و مهربانی نسبت به مردم آشنا ساز. مردم‌باوری در این معنا یعنی دیدن مردم نه به‌عنوان ابزار قدرت، بلکه به‌عنوان صاحبان حق و کرامت. در اخلاق اسلامی، حاکم و کارگزار موظف است خود را خادم مردم بداند، نه آقا و مالک آنان.

نقش مردم در تحقق عدالت اجتماعی

عدالت بدون مشارکت مردم به شعار بدل می‌شود. قرآن در سوره حدید آیه ۲۵، هدف از ارسال پیامبران را «قیام مردم به قسط» می‌داند: **لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ**. یعنی عدالت اجتماعی هنگامی محقق می‌شود که مردم خود مطالبه‌گر و کنشگر باشند. تجربه انقلاب اسلامی نیز نشان داد که هرگاه مردم در صحنه باشند، نه تنها نظام حفظ می‌شود بلکه اصلاح و پیشرفت نیز امکان‌پذیر می‌گردد. از همین رو، تقویت روحیه مردم‌باوری در نسل جدید به معنای تقویت ستون‌های اقتدار ملی است.

مردم‌باوری در عرصه جهانی و فرهنگی

امروز که جنگ نرم و رسانه‌ای بر ذهن‌ها سایه افکنده، تکیه بر مردم و آگاهی آنان بزرگ‌ترین سلاح دفاع فرهنگی است. مشارکت آگاهانه مردم در تولید فکر، هنر، و فرهنگ، پایه‌های استقلال هویتی را استوار می‌کند. همان‌گونه که رهبر انقلاب بارها تأکید کرده‌اند: هر جا به مردم اعتماد کردیم، پیش رفتیم و هر جا از آنان غفلت شد، آسیب دیدیم (بیانات ۱۴۰۰/۰۷/۲۶). این سخن، جوهر اندیشه مردم‌باورانه در نظام اسلامی است؛ مردمی که نه در حاشیه، بلکه در متن تصمیم‌گیری و تحول حضور دارند.

منابع:

۱. خمینی، روح‌الله. ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

۲. خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات درباره مردم‌سالاری دینی.

امروز که جنگ نرم و رسانه‌ای بر ذهن‌ها سایه افکنده، تکیه بر مردم و آگاهی آنان بزرگ‌ترین سلاح دفاع فرهنگی است. مشارکت آگاهانه مردم در تولید فکر، هنر، و فرهنگ، پایه‌های استقلال هویتی را استوار می‌کند



حفاظت اطلاعات و نقش آن در جامعه امروز

هکرها، بلکه نتیجه‌ی «بی‌فرهنگی اطلاعاتی» است.

حفاظت اطلاعات موضوعی فرهنگی و تربیتی

روانشناسان اجتماعی معتقدند که امنیت درونی، پیش‌شرط امنیت بیرونی است. فردی که به هویت خود آگاه است و ارزش را در دیده شدن نمی‌جوید، کمتر دچار لغزش در بیان و رفتار اطلاعاتی می‌شود. در مقابل، جامعه‌ای که در آن فرهنگ گفت‌وگو بدون مرز، کنجکاوای بیمارگونه و رسانه‌زدگی رواج دارد، ناگزیر بهای سنگینی برای ناآگاهی امنیتی خود می‌پردازد. از این رو، حفاظت اطلاعات تنها یک موضوع فنی نیست، بلکه مسئله‌ای فرهنگی و تربیتی است.

راز داری نشانه ایمان

در نظام دینی، رازداری یکی از نشانه‌های ایمان شمرده می‌شود. در اصول کافی از امام صادق (ع) روایت است: «الْمُؤْمِنُ خَرٌّ لَا يُؤْذِيهِ مَكْرٌ مَّكَارٌ وَلَا يَكْشِفُ سِرَّهُ إِلَّا عَلَى أَخٍ مِثْلِهِ»؛ مؤمن آزاد است، از مکر مکاران نمی‌هراسد و راز خود را جز برای برادر ایمانی‌اش فاش نمی‌کند (اصول کافی، ج ۲، باب کتمان السر). بنابراین، حفاظت اطلاعات در نگاه اسلامی و اجتماعی، فراتر از یک مهارت فنی است؛ نوعی زیست اخلاقی است که در آن انسان، زبان، اندیشه و ابزارهای خود را در مسیر امانت‌داری به کار می‌گیرد.

منابع:

۱. کاستلز، مانوئل. امنیت و جامعه اطلاعاتی. ترجمه: عباس مخبر، نشر

مرکز.

۲. فلورییدی، لوچانو. اخلاق و فناوری اطلاعات. انتشارات آکسفورد، ۲۰۱۰.

در دنیای امروز که اطلاعات همچون جریان خون در پیکره‌ی جوامع جاری است و بر محور دانایی و اطلاعات می‌چرخد؛ خطر بزرگی شکل می‌گیرد: افشای بی‌محابای اسرار، بی‌توجهی به محرمانگی، و تبدیل داده‌های شخصی و اجتماعی به ابزار سوءاستفاده و سلطه.

حفاظت اطلاعات در متون اسلامی

در متون اسلامی، حفاظت از اسرار، بخشی از ایمان و نشانه‌ی امانت‌داری دانسته شده است. قرآن کریم در آیه‌ی ۵۸ سوره نساء می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»؛ خداوند شما را فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانشان بازگردانید. این آیه، نه فقط ناظر به دارایی‌های مادی، بلکه شامل دانش، اسرار و اطلاعاتی است که انسان در اختیار دارد. در نگاه توحیدی، دانستن نیز نوعی امانت الهی است و خیانت در آن، خیانت به اعتماد الهی و اجتماعی به شمار می‌آید.

امام علی (ع) در نامه‌ی معروف خود به مالک اشتر نیز بر این اصل تأکید می‌کند که فرمانروایان و کارگزاران باید اسرار حکومت و مردم را نگاه دارند و از افشای اطلاعاتی که به امنیت جامعه آسیب می‌زند پرهیز کنند. در نهج‌البلاغه آمده است: «فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا الْوَالِي أَحَقُّ مِنْ سَتْرِهَا» (نامه ۵۳)؛ مردم را عیب‌هایی است که حاکم سزاوارتر است بر پوشاندن آن. این سخن، بنیان یک فرهنگ امنیتی اخلاقی است که در آن، رازداری نه از سر ترس بلکه از روی خرد و مسئولیت اجتماعی انجام می‌شود.

حفاظت اطلاعات در عصر فناوری و ارتباطات

با پیشرفت فناوری و ظهور فضای مجازی، حفاظت اطلاعات به یکی از دغدغه‌های اساسی دولت‌ها، سازمان‌ها و حتی خانواده‌ها تبدیل شده است. از رمز عبورهای ساده تا داده‌های پیچیده‌ی ژنتیکی، از مکالمات خصوصی تا اسناد سازمانی، همه در معرض تهدیدند. اما آنچه اغلب فراموش می‌شود، این است که بزرگ‌ترین آسیب‌ها از درون انسان آغاز می‌شود؛ از بی‌دقتی، اعتماد بی‌جا، و میل به نمایش و اشتراک بی‌حد در فضای عمومی. بسیاری از بحران‌های اطلاعاتی امروز نه حاصل نفوذ

در نظام دینی، رازداری یکی از نشانه‌های ایمان شمرده می‌شود. در اصول کافی از امام صادق (ع) روایت است: «الْمُؤْمِنُ خَرٌّ لَا يُؤْذِيهِ مَكْرٌ مَّكَارٌ وَلَا يَكْشِفُ سِرَّهُ إِلَّا عَلَى أَخٍ مِثْلِهِ»؛ مؤمن آزاد است، از مکر مکاران نمی‌هراسد و راز خود را جز برای برادر ایمانی‌اش فاش نمی‌کند

چشم بینای جبهه‌ها؛ زندگی و نقش شهید حسن باقری



آغاز یک مسیر؛ از روزنامه‌نگاری تا جهاد

شهید حسن باقری، با نام اصلی غلام‌حسین افشردی، در ۵ اسفند ۱۳۳۴ به دنیا آمد؛ جوانی که پیش از آن که به جبهه برود، دستی در روزنامه‌نگاری داشت و ذهنی تحلیل‌گر و دقیق در او شکل گرفته بود. با آغاز آشوب‌های کردستان و سپس شروع جنگ تحمیلی، او تحصیل را رها کرد و وارد سپاه شد. تصمیمی که برخلاف ظاهرش، یک انتخاب هیجانی نبود؛ ریشه در ایمان عمیق داشت. همان روحیه‌ای که امام خمینی (ره) آن را «جهاد فی سبیل الله و تکلیف غیرقابل تعویق» معرفی کرده بود (صحیفه امام، ج ۱۴).

کردستان؛ نخستین میدان تجربه‌های سخت

ورود باقری به کردستان، اولین میدان جدی او بود. عملیات‌های ضدشورش، شناسایی‌های دشوار، و تحلیل لحظه‌ای از شرایط پیچیده منطقه، از او یک ناظر تیزبین ساخت. این تجربه‌ها بعدها در جبهه‌های جنوب به ستون اصلی تفکر او تبدیل شد. از همان روزها روشن بود که او تنها یک نیروی رزمی نیست؛ ذهنی استراتژیک دارد.

تولد یک تحول؛ بنیان‌گذاری اطلاعات عملیات

وقتی سال ۱۳۵۹ به جنوب رفت، بخش وسیعی از خرمشهر و سوسنگرد در اشغال بود. در همین زمان حسن باقری با جسارت و دقتی منحصربفرد، هسته اولیه واحد اطلاعات عملیات را بنیان گذاشت؛ واحدی که بعدها مغز متفکر جبهه شد. تکیه او بر شناخت زمین، تحلیل دشمن و ثبت دقیق داده‌ها، مصداق عملی آیه «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال/۶۰) بود. رهبر انقلاب بعدها او را «ذهن هوشمند و چشم بینای جبهه‌ها» نامیدند (بیانات ۲۶/۶/۱۳۷۵).

حضور در قلب عملیات‌های بزرگ

نقش باقری در عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس فراتر از یک فرمانده اطلاعات بود. او طراح، تحلیلگر و حاضر در خط مقدم بود. بسیاری از نقشه‌های اولیه عملیات آزادسازی خرمشهر حاصل شناسایی‌های میدانی اوست. دست‌نوشته‌ها، کروکی‌ها و گزارش‌هایش هنوز هم در مراکز مطالعات نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرد. شهید صیادشیرازی و دیگر فرماندهان ارشد جنگ، او را یک «استعداد کم‌نظیر» می‌دانستند؛ جوانی که در اوج جوانی، تفکر نظامی یک ارتش را متحول کرد.

شخصیت اخلاقی؛ آرامش در دل طوفان

فرماندهی باقری فقط نظامی نبود؛ اخلاقی، متواضع و همراه با روحیه برادری بود. در جلسات توجیهی پیچیده‌ترین مسائل رزمی را با زبانی ساده توضیح می‌داد. رزمندگان از او نه فقط یک فرمانده، بلکه یک آموزگار معنوی می‌ساختند. رهبر انقلاب درباره‌اش فرمودند: «شهید باقری

نماد عقلانیت همراه با معنویت بود» (بیانات ۲۷/۷/۱۳۸۹). این روحیه به نیروها آرامشی می‌داد که در سخت‌ترین ساعات جنگ نیز پایدار می‌ماند.

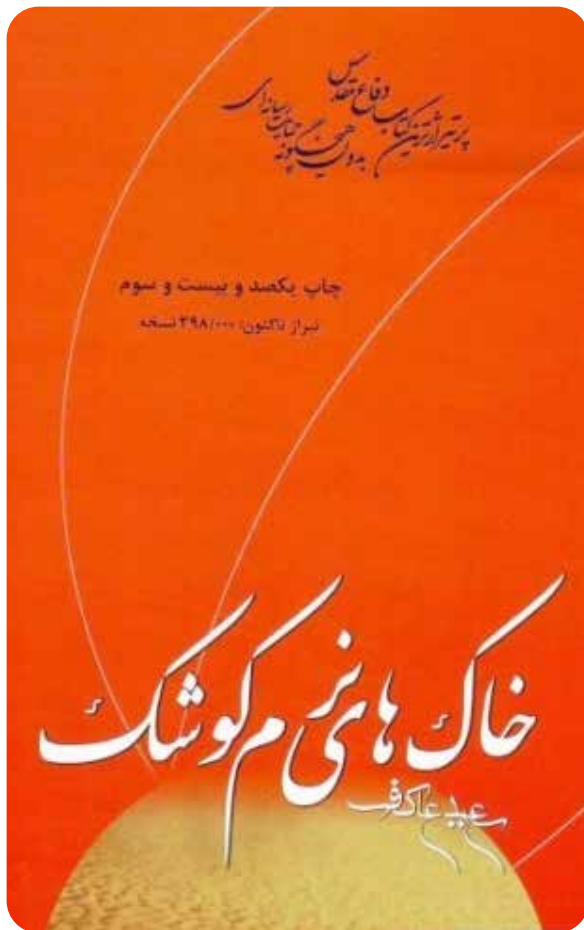
شهادت در فکه؛ خاموشی یک ستاره، طلوع یک مکتب

۹ بهمن ۱۳۶۱، هنگام شناسایی منطقه فکه برای عملیات والفجر مقدماتی، گلوله توپ دشمن خودروی حامل او را هدف گرفت. شهادتش موجب خلأ بزرگی شد، اما اندیشه‌اش همچنان زنده ماند. همان‌گونه که امام علی (ع) فرمود: «قَدَّرَ الرَّجُلُ عَلَى قَدَرِ هِمَّتِهِ» (غررالحکم، ج ۱۰۱۲). همت بلند او، معیار تازه‌ای از جهاد عقلانی و مؤمنانه بر جای گذاشت؛ الگویی که بعدها در طراحی عملیات‌های گسترده سپاه و سپس جبهه مقاومت نقش آفرین شد.

منابع مکتوب

۱. مجموعه نویسندگان، روایت فتح؛ زندگی و زمانه شهید حسن باقری، نشر روایت فتح.
۲. حسین بهزاد، آخرین روزهای جنگ؛ بازخوانی نقش اطلاعات رزمی، انتشارات سوره مهر.

فرماندهی باقری فقط نظامی نبود؛ اخلاقی، متواضع و همراه با روحیه برادری بود. در جلسات توجیهی پیچیده‌ترین مسائل رزمی را با زبانی ساده توضیح می‌داد. رزمندگان از او نه فقط یک فرمانده، بلکه یک آموزگار معنوی می‌ساختند



خاک‌های نرم کوشک؛ روایت زندگی و مکتب شهید برونسی

مؤلف و وضعیت نشر

- نویسنده: سعید عاکف
- منتشر شده توسط: انتشارات ملک اعظم
- نخستین چاپ: سال ۱۳۸۳ شمسی
- تعداد صفحات (در یکی از چاپ‌ها): ۲۸۸ صفحه

محتوای اثر: زندگی، خاطره و روایت ایمانی

کتاب «خاک‌های نرم کوشک» زندگینامه و خاطرات عبدالحسین برونسی را به نقل از خانواده، نزدیکان و هم‌زمان او بازگو می‌کند. برونسی، فرمانده تیپ ۱۸ جوادالائمه در دوران دفاع مقدس بود. آنچه اثر را متمایز می‌سازد، سبک روایت - ترکیب زندگی‌نامه فشرده با ۷۰ روایت کوتاه و صادقانه - است که تصویری چندبعدی از شخصیت، ایمان، مبارزه، شجاعت و ساده‌زیستی برونسی ارائه می‌دهد. هر خاطره کوتاه همراه با یک عکس از شهید است، که حضور ذهنی و مؤثر خواننده را افزایش می‌دهد.

در این روایت‌ها، نه فقط لحظات قهرمانی و رشادت، بلکه ترس، امید، ایمان، شک و مقاومت روحی نیز دیده می‌شود؛ آن چیزی که جنگ را فقط به صحنه‌ی تیر و گلوله تنزل نمی‌دهد، بلکه عرصه‌ی آزمون انسانیت و ایمان می‌سازد.

جایگاه ادبی و تأثیر اجتماعی

خاک‌های نرم کوشک لقب «پرتیراژترین کتاب دفاع مقدس» را دارد؛ اثری که بیش از ۲۰۰ بار تجدید چاپ شده است. آمار فروش آن در ایران و حتی ترجمه‌ها و توزیع در کشورهای منطقه، گواهی بر قدرت روایت آن و تأثیر اجتماعی‌اش است. ترجمه عربی آن نیز به موفقیت قابل توجهی دست یافته است.

چنین موفقیتی نشان می‌دهد که مخاطب عام نیز - نه فقط پژوهشگران یا علاقه‌مندان به تاریخ نظامی - به روایت زندگی شهدا جذب می‌شود؛ این یعنی کتاب در عبور از چارچوب تخصصی، به یک اثر فرهنگی - اجتماعی بدل شده است.

پیام اثر برای نسل امروز

• **انسانیت در بحران:** زندگی برونسی و روایت‌هایش یادآور این است که در اوج سختی جنگ، اخلاق، تواضع و ایمان می‌تواند چراغ راه باشد.

• **هویت و مقاومت:** خاک‌های نرم کوشک «نشان می‌دهد مقاومت یعنی حفاظت از هویت، دین و استقلال؛ نه صرفاً جنگ فیزیکی.

• **نگاه واقع‌گرا به جنگ:** کتاب از شعار و تزئین خودداری کرده؛ با صداقت نشان می‌دهد جنگ زندگی است، با همه سختی‌ها و انتخاب‌ها.

• **الگوی جوانمردی و فداکاری:** برونسی فرمانده‌ای نبود با ظاهر متمایز، بلکه انسانی ساده، مؤمن و عمل‌گرا بود - الگویی که برای جوانان امروز نیز الهام‌بخش است.

ویژگی‌های کتاب:

- روایت مستند و صادقانه زندگی یک فرمانده دفاع مقدس؛ قابل اعتماد و دارای پشتوانه مستند
- **تنوع تجربه:** فرماندهی، زندگی پیش از انقلاب، مبارزه، خانواده، روحیه انسانی - همه در یک اثر جمع شده‌اند
- **تأثیر فرهنگی و فراگیر:** با توجه به تیراژ بالا و ترجمه به زبان‌های دیگر، اثری شناخته‌شده و تأثیرگذار در درون و بیرون ایران است
- «خاک‌های نرم کوشک» بیش از آن که یک زندگی‌نامه باشد، نمایشی از مکتب جهاد و ایثار است؛ مکتبی که از بطن زندگی ساده یک بنا آغاز شد، به فرماندهی تبدیل شد و با شهادت، به تاریخ پیوست. این اثر به ما می‌آموزد که جنگ صرفاً نبرد اسلحه نیست؛ جنگ، میدان آزمون روح و ایمان است. برای هر کسی که به دنبال درک واقعیت جنگ، معنای شهادت و انسانیت در بحران است، خواندن این کتاب - و بازاندیشی در پیام‌های آن - ضروری است.

خاک‌های نرم کوشک» بیش از آن که یک زندگی‌نامه باشد، نمایشی از مکتب جهاد و ایثار است؛ مکتبی که از بطن زندگی ساده یک بنا آغاز شد، به فرماندهی تبدیل شد و با شهادت، به تاریخ پیوست



دل‌نگاهی از نسل اول پاسداران:

گفت‌وگوی تفصیلی با محمد قاسم فروغی جهرمی

روایتی صریح از روزهای بی‌تکلف سپاه، ساده‌زیستی مجاهدان، شکوفه‌های توکل در نسل انقلاب و دغدغه‌های امروز جامعه‌ای که میان معنویت و دنیا معلق مانده است.

محمد قاسم فروغی جهرمی از نخستین‌های سپاه است؛ نسلی که انقلاب را با دست خالی اما دلی پر آغاز کرد. در این گفت‌وگو، او از تجربه‌های روزهای آغازین انقلاب، خاطراتی شیرین و گاه تکان‌دهنده از صفا و سادگی هم‌زمانش، و نگاهی انتقادی و اندوهگین به وضعیت امروز می‌گوید. آنچه می‌خوانید، گفت‌وگویی است برگرفته از یک دل‌نوشته بلند؛ بدون هیچ‌گونه حذف یا خلاصه‌سازی

سؤال: آقای فروغی، دل‌نوشته شما با توصیفی شاعرانه از عمر انسان آغاز می‌شود. لطفا فضای فکری آن بخش را برای ما توضیح دهید.

پاسخ: قافله عمر ما شبیه فصل‌های پاییزی است؛ رنگ به رنگ، لحظه به لحظه، و سرشار از حالاتی که آدمی تا به آن‌ها نرسد، نمی‌فهمدشان. بارها روزهایی بر ما گذشته که اگر نعمت و لطف الهی نبود، تصور عبور از آن‌ها ممکن نبود. در این مسیر، همیشه باور داشته‌ام که خضر راهی باید باشد تا گم نشویم؛ و گرنه سرنوشت چگونه می‌خواهد سامان پیدا کند؟

وقتی می‌خواهم از حقیقت عالم حرف بزنم، ناگزیر به نمونه‌هایی مثل حضرت موسی علیه‌السلام نگاه می‌کنم؛ مردانی که در برابر قدر ایستادند و راز عالم را لمس کردند.

سؤال: در متن خود به فضای اوایل انقلاب اشاره کرده‌اید. یک نمونه از آن دوران را روایت کردید. لطفاً آن خاطره را توضیح دهید.

پاسخ: روزهای اول انقلاب در ستاد مرکزی سپاه، جوانی مؤمن و متین بود به نام برادر رضوی سروستانی. زندگی‌اش همان‌جا می‌گذشت. در اتاقی صندوق پولی گذاشته بودند؛ هر کس به اندازه نیازش مبلغی برمی‌داشت. نه حسابی بود، نه ثبت و کنترلی؛ اما صندوق همیشه پر بود.

برادر رضوی فقط کرایه رفت‌و برگشت نماز جمعه‌اش را برمی‌داشت. همین پاکی و مراقبت در هزینه‌کرد، در روزگاری که هیچ نظارت رسمی هم وجود نداشت، برای من همیشه شگفت‌آور بود؛ گویی تقوا خودش حافظ اموال بود، نه دوربین و سیستم مالی.

سؤال: شما به ساده‌زیستی و بی‌تکلفی آن نسل اشاره کرده‌اید. نمونه‌ای از آن سبک زندگی مطرح کردید. آن اتفاق چگونه بود؟

پاسخ: مرحوم برادر بزرگوار آقای محمودزاده - که آن زمان

مسئولیت دفاتر هماهنگی استان‌ها را داشت - برایم گفت که برادر ارجمند جناب اشجع در سیستم خدمت می‌کرد. مسئله ازدواج ایشان مطرح شد. فردای همان روز به تهران آمد، یک جلسه معارفه برگزار شد، صحبت کردند، خطبه خوانده شد، ثبت ازدواج انجام گرفت و همان روز به سیستم برگشت. همین قدر ساده.

نه تشریفات، نه تجملات، نه بار سنگین هزینه‌ها.

آن زمان، زندگی‌ها را با «توکل» می‌ساختند، نه با «وام و سالن و تشریفات». ما خودمان هم باور نمی‌کردیم که می‌شود این قدر ساده زیست و این قدر آسان وارد زندگی مشترک شد.

سؤال: به نظر می‌رسد روحیه توحیدی و توکل‌محور آن نسل، نقش مهمی در این سادگی داشته است. چه ویژگی‌ای در آن نسل برجسته‌تر بود؟

پاسخ: توکل بر خدا، نقطه ثقل شخصیت بچه‌های حزب‌اللهی بود. دنیا در نگاهشان کوتاه و کم‌ارزش بود. به همین خاطر نیازی نمی‌دیدند که رشته‌های دنیا را به خود ببندند.

جنگ که آغاز شد، هر کس با اشتیاق خودش وارد میدان شد. وصیت‌نامه شهید شانزده‌ساله‌ای را خواندم که نوشته بود:

خدایا مرا با یک تیر دشمن شهید نکن؛ بگذار درد بیشتری بکشم تا بیشتر با تو معاشقه کنم و امتحان شوم.

این حس، این تمنای عاشقانه، این شوق قرب، کم نبود.

سؤال: شما در متن خود از چند بیت حافظ کمک گرفته‌اید. این ابیات برای بیان چه مفهومی آورده شدند؟

پاسخ: شعر حافظ همیشه آینه‌ای برای دیدن حال امروز ما بوده است. مثلاً وقتی می‌گوید:
سخن سربسته گفتی با حریفان...
یا:
به مستوران مگو اسرار مستی...
یا آن بیت دردناک:

بت چینی عدوی جان ما گشت / خداوندا دل و دینم نگه دار
این‌ها همه تفسیر وضعیتی است که می‌بینیم:
دنیازدگی، پراکندگی، دوری از معنویت و غرق شدن در لذت‌های کوتاه.

سؤال: و در پایان، مایلیم از زبان خودتان معرفی کوتاهی همراه با پیام پایانی مخاطبان داشته باشیم.

پاسخ: من محمدقاسم فروغی جهرمی هستم؛ ورودی یک یک ۵۸ سپاه. از آغاز این سازمان خودساخته در کنار دوستانم بوده‌ام. یادگار ماندگار امام برای ما این بود که پاسدار انقلاب، پیش از هر چیز، باید از خود پاسداری کند. یا حق.

۱۴۰۴/۸/۲۵ - مشهد مقدس جمع فرهیختگان تبلیغات و انتشارات سپاه

پشت خاکریزها، عشق خدا از همه‌جا پررنگ‌تر بود.

سؤال: سپس در دل نوشته‌تان به وضعیت امروز جامعه اشاره کرده‌اید. از نگاه شما چه تغییری رخ داده است؟

پاسخ: زمان گذشت و امروز، گویی مسابقه‌ای برای کسب لذایذ دنیوی شکل گرفته است. لذایذی که عقل را فریب می‌دهند و هوشیاری را با سراب جابه‌جا می‌کنند. برهوت، به جای ملکوت نشسته است. حافظ چه زیبا گفت:

دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای / فرشته‌ات به دو دست دعا نگه دارد

اما امروز ما به ظواهر تکیه کرده‌ایم؛ چیزهایی که با یک نسیم صبحگاهی از هم می‌پاشند و گمان می‌کنیم ستون زندگی ما هستند.

سؤال: در ادامه از یک «تصویر شاعرانه» درباره انسان امروز گفته‌اید. منظور شما از این تصویر چیست؟

پاسخ: روح انسان امروز از درد عشق و فراق دوست نمی‌سوزد؛ از التهاب هوس‌ها می‌سوزد. ما را به صندلی‌ها، عنوان‌ها، ظاهرها و منصب‌ها زنجیر کرده‌اند.

ماه و خورشید برایمان به چراغ‌های ضعیفی تبدیل شده‌اند؛ چنان کم‌نور که نور یک فانوس را کهکشان می‌بینیم. چشم‌ها عادت کرده‌اند به ظاهری کم‌رمق؛ حقیقت را گم کرده‌ایم.



اشعار فرهنگیاران - جان فدای ایرانم جعفر غفاریان - کردستان

قسم به یاران، به نام یزدان، که با دل و جان، فدای ایرانم
رزم و میدان، مرا مترسان، که می دهم جان، برای ایرانم
به سربه زیری، به پایبندی، به سر بلندی، چنان دماوندم
که سر به زیرانه، پای در بند تاابد در، سرای ایرانم
اگر که گاهی، به اشتباهی، ویا گناهی، گلایه ای کردم
زمین خود، گلایه کردم، وگرنه من خاک پای ایرانم
چه از خراسان، بوم چه گیلان، چه سیستان یا، ز خاک
خوزستان

من آریایی، ترین نگهبان خاک دیرآشنای ایرانم
به رغم شمشیرهای از پشت ورنج و زنجیر نا جوانمردان
رسیده بر گوش جای جای جهان صدای رسای ایرانم
نمی گذارند ذره ای از تو، زیر پای، مهاجمان باشد
نمرده روح، دلوری در، مدافع جان، فدای ایرانم
تمام رنگین کمان اقوام میهنم پادشاه این خاک ند
چه بهتر از این، نشسته بر دوش مردمانم، همای ایرانم



تقوا در نهج البلاغه

۱. تقوا در هر زمان

اتق الله فی کل صباح و مساء. در هر صبح و شام رعایت تقوا کن! (نامه ۵۶)

۲. وصیت به تقوا

فی وصیته للحسن و الحسین علیهما السلام لما ضربه ابن ملجم لعنه الله: أوصیکما و جمیع ولدی و أهلی و من بلغه کتابی، بتقوی الله، و نظم أمرکم.

وصیتی است به حسن و حسین علیهما السلام پس از آن که ابن ملجم لعنت الله علیه، او را ضربت زد: شما و همه فرزندان و دودمانم و هر کسی را که نامه من به او برسد توصیه می کنم به تقوای الهی و نظم در امور خویش. (نامه ۴۷)

۳. تقوا داروست

ان تقوی الله دواء قلوبکم، و بصر عمی أفندتکم، و شفاء مرض أجسادکم، و صلاح فساد صدورکم، و ظهور دنس أنفسکم، و جلاء عشا أبصارکم.

همانا تقوای خداوند برای شما دواي درد دل ها است و چشم برای کوری دل ها و شفای بیماری جسدها و اصلاح فساد سینه ها و پاکي آلودگی نفوس و روشنائی پرده های چشمان. (خطبه ۱۹۸)

۴. پیش گرفتن تقوا

أوصیکم بتقوی الله... داووا بها الاسقام، و بادروا بها الحمائم، و اعتبروا بمن أضاعها، و لا یعتبرن بکم من أطاعها.

شما را به تقوای خداوندی توصیه می کنم و اینکه بیماری هایتان را با این دوا درمان کنید، و با همین صفت به پیشواز مرگ بروید و از وخامت عاقبت کسانی که تقوا را ضایع کردند عبرت بگیرید و مبادا که پیروان مطیع تقوا از شما پند و عبرت بگیرند. (حکمت ۹۵)

۵. تقوا بالاترین عمل

لا یقل عمل مع التقوی، و کیف یقل ما یتقبل؟ عملی که همراه با تقوا باشد کم نیست، چگونه کم خواهد بود عملی که مورد قبول درگاه خدا باشد؟ (حکمت ۹۵)



محرم بین المللی

شخص رئیس جمهور آمریکا، در این فتنه دخالت کرد، تهدید کرد، فتنه گران را تشویق کرد... این مجموعه ای که تخریب کردند و آتش زدند و کارهای خلاف کردند و آدم کشتند، اینها را به عنوان ملت ایران معرفی کرد؛ یعنی تهمت بزرگی به ملت ایران زد... اینها جرم است... ما رئیس جمهور آمریکا را مجرم میدانیم؛ به خاطر تلفات، خسارات و تهمتی که به ملت ایران زد.



ملت بزرگ ایران
خود را و همت و هویت خود را
برخ دشمنان کشید